

ماہنامہ
مشورہ
ذی القعدة
۱۴۳۸ھ

قرآن و حدیث



بیمار رفتی هدایت

نصرت اللہ ایچی

مجموعہ علوم انسانی و مطالعات اسلامی
مال جامع علوم انسانی

گروه قرآن و حدیث

مقدمه

اندیشه مهدویت را از زوایای مختلفی می‌توان بررسی کرد. بررسی این موضوع از منظر قرآن اهمیتی دیگر دارد، زیرا قرآن معتبرترین منبع اسلامی است و دست تحریف و زیاده و نقصان از دامانش به دور مانده، و از سوی دیگر، تمامی مسلمانان جهان با هر نوع اندیشه و سلیقه‌ای این کتاب آسمانی را پذیرفته‌اند.

پس از قرآن، احادیث پیشوایان دینی غنی‌ترین منبعی است که مجموعه متنوعی از معارف مهدوی در آن طرح شده است.

از آن‌جا که معارف درباره امام مهدی علیه السلام بیشتر به آینده بشر ربط دارد و جز خدا و معصومان، کسی به آن آگاه نیست، احادیث پیشوایان دینی منبع بی‌بدیلی برای کشف و استخراج معارف ناب مهدویت خواهد بود.

پس از قرآن و احادیث، سومین منبعی که در آن بسیاری از زوایای اندیشه مهدویت تبیین شده، ادعیه است که به رغم برخورداری از قابلیت فوق‌العاده، تاکنون به شکل شایسته‌ای بدان نپرداخته‌اند.

گروه قرآن، احادیث و ادعیه می‌کوشد تا معارف مربوط به امام مهدی علیه السلام را از همین منابع کشف و استخراج کند.

چکیده:

قیام یمانی که در روایات متعددی از منابع دست اول حدیثی شیعه و اهل سنت ذکر شده است، از نشانه‌های مهم ظهور امام مهدی علیه السلام به شمار می‌رود. ظهور مدعیان یمانیت در تاریخ و مقبول افتادن دعوی آنان در نزد بسیاری از مسلمانان، اصالت این حادثه را می‌نمایاند. با وجود این که تعدادی از احادیث، قیام یمانی را از زمره علائم مهم ظهور برشمرده‌اند، اما حتمی بودن آن اثبات‌پذیر نیست.

روایات معتبر، به نام و نسب این شخص اشاره نکرده‌اند، اما از او با واژه‌هایی چون «یمانی»، «قحطانی»، «الخلیفة الیمانی» و «المنصور الیمانی» یاد شده است. وی که انسان مؤمن و وارسته‌ای به شمار می‌رود و از او با عنوان پرچم هدایت یاد شده است، به انگیزه اصلاح جامعه خود اندکی پیش از ظهور امام مهدی علیه السلام قیام می‌کند.

روایات این حادثه را به تفصیل بیان نکرده‌اند، اما به مؤمنان سفارش کرده‌اند که به هنگام آغاز جنبش یمانی در یاری او بکوشند. تکریم شدن یمانی در نزد پیشوایان دینی، علاوه بر این که امکان زندگی با معنویت در عصر فتنه‌های آخرالزمان را نشان می‌دهد، مطلوب بودن قیام‌های اصلاح‌طلبانه را نیز در نگاه پیشوایان دینی می‌نماید. بنابراین، بجاست زوایای زندگی این شخصیت شناسایی و معرفی شود.

واژگان کلیدی

یمانی، قحطانی، یمن، سفیانی، خراسانی، پرچم هدایت، حتمی، غیر حتمی.

نشانه‌های ظهور از جذاب‌ترین و پرطرفدارترین بخش‌های معارف مهدوی است. اختصاص بخش عمده‌ای از روایات مهدویت به این موضوع، بهترین گواه بر این مسئله است. این جذابیت از سویی باعث افزایش اقبال عمومی به این مسئله و در نتیجه اصل اندیشه مهدویت می‌شود، اما از سوی دیگر، افزون بر ایجاد زمینه مناسب برای ورود خرافات، طمع شیادان را برای جعل و تحریف روایات دو چندان می‌کند. از این رو، نظر به فقدان پژوهش‌های مستند در این زمینه، شایسته است با انجام تحقیقات مبتنی بر اصول و قواعد فهم حدیث و با جداسازی احادیث صحیح از ضعیف و مطالب مستند از غیرمستند، علاوه بر پالایش معارف مهدویت از خرافات، زمینه‌های سوءاستفاده از این موضوع از میان برداشته شود. بر این اساس، در این نوشتار کوشیده خواهد شد تا ابعاد مختلف حادثه قیام یمانی که از نشانه‌های مهم ظهور امام مهدی علیه السلام است، به صورت مستند بررسی شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تکریم اهل یمن

از دیرباز، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیشوایان دینی، یمن و اهل آن را تکریم می‌نموده‌اند. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این خصوص چنین روایت شده است:

مَنْ أَحَبَّ أَهْلَ الْيَمَنِ فَقَدْ أَحَبَّنِي وَمَنْ أَبْغَضَ أَهْلَ الْيَمَنِ فَقَدْ أَبْغَضَنِي!
کسی که اهل یمن را دوست بدارد، مرا دوست داشته و کسی که با اهل یمن دشمنی ورزد، با من دشمنی ورزیده است.

و نیز فرموده‌اند:

رَجُلٌ أَهْلُ الْيَمَنِ أَفْضَلُ الْأَيْمَانِ يَمَانِيٍّ وَالْمَلَكَةُ يَمَانِيَّةٌ!
مردمان یمن با فضیلت‌ترند. ایمان و حکمت یمانی است.

آنان یمن را از آن روی تکریم و تعظیم می‌نمودند که مهد پرورش انسان‌های وارسته و پارسایی چون اویس قرنی بوده است، هم چنان که در آخرالزمان اهل یمن علیه پلشتی‌ها و تباهی‌ها بپاخواهند خاست و در راه اقامه دین الهی و گسترش معنویت، مجاهدت خواهند کرد. رسول گرامی اسلام، به هنگام اعزام معاذ بن جبل به یمن، به وی فرمودند:

بِمَنْتِكَ إِلَيَّ قَوْمٌ رَقِيقَةٌ قَلْبُهُمْ يَمَانِيٌّ يَمَانِيٌّ عَلَى الْعَصَى مَرَّتَيْنِ!
تو را به سوی مردمی فرستادم که قلب‌هایشان رقیق است و بر سر حق دوبار جنگ می‌کنند.

جابر بن عبدالله انصاری، در روایت دیگری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین روایت می‌کند:

گروهی از سرزمین یمن بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدند، آن حضرت فرمود:

قَوْمٌ رَقِيقَةٌ قَلْبُهُمْ رَأْسُ الْإِيمَانِ وَمِنْهُمْ الْمَنْصُورُ يَخْرُجُ فِي سَبْعِينَ أَلْفًا يَنْصُرُ خَلْقِي وَخَلْفَ وَصِيِّ!
مردم سرزمین یمن قلب‌هایی رقیق و ایمان‌هایی استوار دارند. منصور که با هفتاد هزار نفر قیام می‌کند و جانشین من و جانشین وصی مرا باری می‌دهد، از آنهاست.

از آن جا که چنین حادثه‌ای برای پیشوایان گذشته رخ نداده، منظور پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از جانشین وصی ایشان کسی جز امام مهدی علیه السلام نخواهد بود. براین اساس اهل یمن در آخرالزمان، زمینه‌سازان ظهور و یاری‌کنندگان آخرین وصی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خواهند بود. رهبری نهضت زمینه‌سازان یمن، بر عهده شخصی است که روایات از او با نام «یمانی» یا «قحطانی» یاد کرده‌اند.



اهداف

۱. تبیین و تعمیق معارف مهدوی در حوزه قرآن، احادیث و ادعیه؛
۲. پالایش معارف مهدویت؛
۳. فراهم ساختن زمینه تحقیق برای محققان و نویسندگان مهدوی؛
۴. نظریه‌پردازی، تولید علم و کشف افق‌های تازه در حوزه قرآن، احادیث و ادعیه مربوط به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه؛
۵. تدوین دائرةالمعارف؛
۶. پاسخ به سؤالات و شبهات اقشار مختلف جامعه درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در حوزه قرآن، احادیث و ادعیه.

برنامه‌ها

۱. جمع‌آوری آیات مهدویت؛
۲. بررسی و تحقیق در آیات مهدویت:
 - الف) بررسی و شرح آیات تفسیری؛
 - ب) بررسی و شرح آیات تأویلی.
۳. بررسی موضوعی آیات مهدویت؛
۴. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه از منظر تفاسیر:
 - الف) شیعی؛
 - ب) اهل سنت.
۵. تهیه متون مورد نیاز.
۶. استخراج احادیث منابع شیعی و سنی؛
۷. تبویب مناسب؛
۸. بررسی سندی و دلالتی و جمع‌بندی و شرح روایات؛
۹. تدوین متون آموزشی در سه سطح؛
۱۰. تدوین کتاب‌های روایی با تبویب مناسب؛
۱۱. منبع‌شناسی؛
۱۲. احیای تراث؛
۱۳. استخراج ادعیه؛
۱۴. تبویب مناسب؛
۱۵. بررسی سندی ادعیه؛
۱۶. ترجمه و شرح (به زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی)؛
۱۷. بررسی موضوعی ادعیه.

یمانی در آینه روایات و تاریخ

اصل ظهور مردی از سرزمین یمن در آخرالزمان، مسلم است و روایات متعددی نیز بر آن دلالت می‌کنند که برخی از آنها معتبرند. این روایات، از پیامبر اکرم ص، امام علی ع، امام باقر ع، امام صادق ع و امام رضا ع و نیز تعدادی از صحابه، هم‌چون عمار یاسر نقل شده است؛ مثلاً امام صادق ع در روایت صحیح‌های در پاسخ به این سؤال که فرج شیعیان شما چه زمانی خواهد بود، فرمودند:

... و ظریر النّاسی و اقبل الیمانی و نحرک المسنی خرج صاحب
لهذا الامر من البریة الی مکة:

... هنگامی که شامی ظاهر شود و یمانی آشکار گردد و حسنی جنبش خود را آغاز کند، صاحب این امر از مدینه به سمت مکه برود.

از نخستین کتاب‌های روایی که این روایات را ذکر کرده‌اند، می‌توان به مختصر اثبات الرجعة از فضل بن شاذان، کافی، الغیبة نعمانی، کمال‌الدین و تمام النعمه، الغیبة و امالی شیخ طوسی، و در منابع اهل سنت به صحیح بخاری، صحیح مسلم و الفتن نعیم بن حماد اشاره کرد. بی‌گمان تعدد این روایات و قدیمی بودن منابع آن و نیز وجود احادیث معتبر در میان مجموعه این روایات، جای هیچ‌گونه تردیدی در اصل این مسئله باقی نخواهد گذاشت. این مسئله آن قدر مسلم بوده که در طول تاریخ، افراد مختلفی با عنوان قحطانی (یمانی) دست به قیام زده‌اند. مسعودی در این باره می‌نویسد:

از حوادث بزرگ عهد عبدالملک بن مروان، خلع او توسط عبدالرحمان بن اشعث بن قیس بن معدی کرب‌کندی در سال ۸۱ بود. چون لشکریان عبدالرحمان زیاد شدند و بسیاری از مردم عراق از رؤسای قبایل، قاریان و ابدالان، به او پیوستند، عبدالملک را خلع کرد و مردم نیز عبدالملک را خلع کردند. این واقعه نزدیک اصطخر فارس به وقوع پیوست. وی پس از خلع عبدالملک خود را «ناصر المؤمنین» نامید و مدعی شد که همان قحطانی است که اهل یمن در انتظار اویند؛ همو که زمامداری را به اهل یمن باز می‌گرداند.^۶

فخر رازی علاوه بر ابن‌اشعث، از یزید بن مذهب نیز به عنوان کسی که مدعی قحطانی موعود است، یاد می‌کند.^۷

ابن خلدون نیز در ضمن حوادث مربوط به قرن چهارم هجری می‌نویسد:

آن‌گاه که المظفر (بن محمد بن عبدالله بن عامر) مرد، برادرش عبدالرحمان جانشین او (وزیر هشام بن الحکم، المؤید بالله) شد و ملقب به «الناصر لدین الله» گردید. وی راه پدر و برادرش را در پیش گرفت و مانند آن دو، خلیفه وقت، هشام را از تصرف در امور منع می‌کرد و با او مستبدانه رفتار می‌نمود و او را در فرمان‌روایی دخالت نمی‌داد. سپس از هشام خواست که وی را ولی عهد خود معرفی کند، و هشام نیز چنین نوشت: ... امیر المؤمنین بر آن شد تا ولی عهدش قحطانی باشد؛ همو که عبدالله بن عمر بن العاص و ابوهریره دربارش از پیامبر ص چنین نقل کرده‌اند:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَضْرِبَ رَجُلٌ مِّنْ قَحْطَانَ بِسُوفِهِ النَّاسَ بِعَصَاهُ»^۱

قیامت برپا نمی‌شود تا این‌که مردی از قحطان که مردم را با عصایش رهبری می‌کند، خروج نماید.^۲

ابن خلدون در جایی دیگر ضمن بیان حوادث مربوط به قرن هفتم می‌نویسد:

عبدالرحیم بن عبدالرحمان بن الفرس که از طبقه علمای اندلس بود، روزی در مجلس منصور حاضر شد. سخنی تند بر زبان راند و پس از آن از مجلس خارج شد و مدتی مخفیانه زندگی کرد. پس از مرگ منصور، در منطقه «کزوله» ظاهر شد و ادعای امامت کرد و مدعی شد که همان قحطانی است که پیامبر ﷺ در باره‌اش فرموده: «قیامت برپا نمی‌شود تا این‌که مردی از قحطان (یمن) قیام کند و مردم را با عصایش رهبری نماید و زمین را هم‌چنان که پر از ظلم شده از عدل سرشار سازد.» ناصر بن منصور سپاهی را به سوی او روانه کرد. عبدالرحیم در این نبرد پس از شکست، کشته شد و سرش به مراکش فرستاده و در آن‌جا به دار آویخته شد.^۳

شخصیت دیگری که در زمان ما با ادعای یمانی بودن پیروانی یافت، شخصی به نام سیدمحمود حسنی است که رسانه‌ها درباره وی، بدین صورت گزارش داده‌اند:

تعدادی از افراد عراقی در نماز جمعه گذشته شهرهای تهران، قم، قزوین و همدان در حالی که لباس‌های سیاه بر تن و چفیه‌های سبز بر سر داشتند، مدعی ظهور سیدحسن یمانی که به گفته آنان نایب امام زمان عجلتعالیه می‌باشد، بودند، توسط مأموران دست‌گیر شدند. این افراد در میان نمازگزاران با صدای بلند و لهجه عربی فریاد زدند: ای مؤمنین! سید یمانی ظهور کرده به یاری ما بشتابید.

سید یمانی مورد ادعای این افراد احتمالاً شخصی به نام سیدمحمود حسنی سرخی (ساکن عراق) است که خود را نایب امام زمان عجلتعالیه معرفی کرده و هوادارانی نیز داشته است. این شخص چندی قبل یک امریکایی را در شهر کربلا کشت و سپس ناپدید شد که پس از آن هوادارانش ادعا کرده‌اند که او در غیبت به سر می‌برد.^۴

آخرین شخصیتی که او را مدعی یمانی دانسته‌اند، سیدحسین بدرالدین الحوثی است. وی از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۷ نماینده مجلس یمن بود و ریاست گروه جوانان مؤمن را برعهده داشت و در سال ۱۹۹۷ از یک گروه اسلامی به نام «الحق» جدا شد.

الحوثی سال گذشته با اعتراض به حمایت دولت یمن از امریکا علیه آن وارد جنگ شد و دولت یمن که برای دست‌گیری یا کشتن وی ۵۴ هزار دلار جایزه تعیین کرده بود، پس از مدت‌ها درگیری او را به همراه عده‌ای از یارانش در غاری در منطقه کوهستانی مران، نزدیک منطقه مرزی با عربستان، به قتل رساندند.^۵ مشروح این جریان را دکتر عصام العمد، رئیس مجلس اعلای شیعیان یمن این‌گونه شرح داده است:

سیدحسین الحوثی فرزند علامه سیدبدرالدین الطباطبایی الحوثی است که در شهریور گذشته پس از نود روز مقاومت در کوه‌های محاصره شده استان صعده به فیض شهادت نایل آمد.

شهیدحسین الحوثی طبق عادت همیشگی، شب‌های جمعه همراه جنود هفتاد تن از شاگردانش به دامنه کوه‌ها پناه می‌برد و با خواندن دعای کمیل با خدای خویش راز و نیاز می‌کرد که نظامیان یمن با محاصره نود روزه وی و هفتاد تن از یارانش او را به شهادت رسانند.

حکومت یمن ابتدا برای جلوگیری از افزایش محبوبیت روزافزون الحوثی، مدعی شد که وی ادعای نبوت کرده است. ولی این راه کار نتوانست مردم را فریب دهد. آن‌گاه گفتند وی ادعای امامت کرده اما این ترغند هم کارایی نداشت. سپس تلاش کردند تا با کمک رسانه‌های دولتی این‌گونه شایعه کنند که وی ادعای یمانیت کرده است، ولی این هم نتوانست در علاقه شیعیان یمن به وی خللی ایجاد کند.



موضوعات پژوهشی قرآنی و روایی

۱. جمع‌آوری و دسته‌بندی آیات مهدویت؛
۲. بررسی آیات تأویلی مهدویت (سند احادیث، دلالت، نتایج)؛
۳. تفسیر و تاویل، ظهر و بطن در آیات مهدوی؛

۴. مکی و مدنی بودن آیات مهدویت (چرایی و نتایج)؛

۵. روش قرآن در معرفی امام مهدی علیه السلام؛

۶. بررسی آیات مهدوی در تفاسیر شیعه و سنی (مبانی، نوآوری‌ها، مقایسه‌ها، نقد و بررسی و ...)

۷. تحلیل ابعاد زندگی امام مهدی علیه السلام از تولد تا ظهور بر اساس آیات مشابه و قصص قرآنی؛

الف) ضرورت امام و حجت؛

ب) تولد پنهانی؛

ج) دلالت غیبت؛

د) فوائد امام غایب؛

ه) انتظار؛

و) وظایف منتظران؛

ز) علایم و شرایط ظهور؛

ح) ویژگی یاران؛

ط) سیره رفتاری و ...

۸. جامعه ایده‌آل از منظر قرآن (شخصه‌ها،

آسیب‌ها و راه تحقق) و مقایسه آن با حکومت امام مهدی علیه السلام؛

۹. بررسی تطبیقی آیات مهدوی در قرآن با منجی

در تورات و انجیل؛

۱۰. آینده جهان از منظر قرآن؛

۱۱. آسیب‌شناسی جامعه منتظر از منظر قرآن؛

۱۲. رجعت از منظر قرآن؛

۱۳. ظهور و افول جوامع و تمدن‌ها از منظر

قرآن؛

۱۴. جایگاه قرآن در عصر ظهور؛

۱۵. وضعیت ادیان در آینده جهان از منظر قرآن؛

۱۶. موعودگرائی در قرآن (چرایی، آسیب‌ها،

موضع‌گیری‌ها و ...)

۱۷. یوسف زهرا و یوسف قرآن؛

۱۸. مهدویت و سنت‌های الهی در قرآن

در برخی از احادیث معصومین علیهم السلام آمده است: شخصی که در آستانه ظهور امام مهدی علیه السلام از یمن قیام می‌کند و مردم را به سوی هدایت یافته‌ترین مذاهب فرا می‌خواند، حسن یا حسین نام دارد. حکومت یمن با استناد به این احادیث، ادعا کرده بود که سیدحسین الحوثی همان یمانی موعود است، زیرا نامش حسین و مذهبش شیعه دوازده امامی است. در حالی که خود وی هیچ‌گاه چنین ادعایی نکرده بود.^۳

با توجه به ویژگی‌هایی که در ادامه برای یمانی واقعی بر خواهیم شمرد، در بطلان دعاوی مدعیان یاد شده نمی‌توان تردید کرد، اما اصل طرح این ادعا در تاریخ و پذیرش آن نزد عده فراوانی از مسلمین، ریشه‌دار بودن اعتقاد به قیام مردی از یمن در آخرالزمان را نشان می‌دهد. این ارتکاز ذهنی مسلمین، تنها از کلمات پیامبر صلی الله علیه و آله سرچشمه می‌گیرد، هم‌چنان‌که از وجود مدعیان دروغین مهدویت و روی آوردن بسیاری از افراد جامعه اسلامی به آنان، به اصالت اندیشه مهدویت می‌توان پی برد.

دلایل متعددی به موضوع یمانی و کندوکاو درباره ابعاد مختلف این شخصیت و زوایای زندگی و جنبش او اهمیت بخشیده است، از جمله:

۱. تعداد زیادی از روایات در میان مجموعه احادیث علائم الظهور، فقط حدود پنج پدیده را به شکل مستقل، نشانه‌های ظهور بر شمرده - اند. بعضی از این پنج نشانه، در اندکی از روایات جای خود را به نشانه‌های دیگری می‌دهند، اما معمولاً در اصل پنج‌شماری آن نشانه‌ها، تغییری ایجاد نمی‌شود. تأکید پیشوایان معصوم علیهم السلام بر این علائم که در برخی روایات از آنها با عنوان علائم حتمی تعبیر شده و جداسازی آنها از سایر نشانه‌های ظهور، دلیل بر اهمیت این نشانه‌هاست که توجه ویژه‌ای را می‌طلبد. یمانی یکی از این نشانه‌هاست که معمولاً در زمره پنج علامت یاد شده، به شمار می‌رود. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده‌اند:

حَسْبُ قَبْرِ قِيَامِ الْقَائِمِ: مِنَ الْبَيْتَانِ وَالسَّفِيَانِ. وَالسَّنَادُ مِنَ السَّمَاءِ وَصَفَّ بِالْبَيْرَاءِ. وَقَتْلُ النَّفْسِ الرَّكِيَّةِ: ۱۴

پیش از قیام قائم پنج نشانه رخ خواهد داد: یمانی، سفیانی، ندای آسمانی، فرو رفتن [سپاه سفیانی] در سرزمین بیداء و کشته شدن نفس رکیه.

۲. هم‌چنان‌که خواهد آمد، قیام یمانی، فضیلت محور و اصلاح‌گر است و روایات، بر کمک به او تأکید کرده‌اند. بی‌گمان جانب‌داری از این حرکت ارزشی و تقویت آن، زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که این شخصیت و جزئیات مربوط به جنبش او تا حد ممکن شناسایی شود.

۳. وجود ویژگی‌های مثبت در شخصیت یمانی و تکریم و تجلیلی که در کلمات پیشوایان دین از او شده، می‌تواند انگیزه‌ای برای وسوسه شیادان و فرصت طلبانی باشد که برای جلب عواطف و احساسات مذهبی مردم، از آن استفاده کنند. لذا، این احتمال همواره وجود داشته

است که افرادی خود را یمانی معرفی کنند و از این رهگذر، عواطف، احساسات و امکانات مردم را به سوی خود جلب کنند و چه بسا با این عنوان تا مرز تشکیل حکومت نیز پیش بروند. از این رو، بجاست تا در حد ممکن جزئیات این حادثه براساس اصول علمی شناسایی شود تا بتوان در مقام تعیین مصداق، مدعیان دروغین را از یمانی واقعی شناسایی کرد. با جزئیات یاد شده اگر نتوان یمانی واقعی را شناسایی کرد، دست کم این معیار برای تشخیص مدعیان دروغین کفایت می کند، و همین مقدار، اهمیت کندوکاو پیرامون این موضوع را به خوبی می نماید.

۴. از دیگر ثمرات این بحث اثبات آن است که امامان معصوم علیهم السلام قیام‌های اصلاح طلبانه را در عصر غیبت تأیید کرده‌اند. هم‌چنان که خواهد آمد، پیشوایان معصوم علیهم السلام از یمانی و جنبش او جانبداری کرده‌اند. بنابراین، می توان گفت که از نظر معصومان علیهم السلام در عصر غیبت، جنبش‌های نظامی تأیید شده نیز وجود دارند. بنابراین، دیدگاه معروفی که حرکت‌های اصلاحی را در عصر غیبت محکوم به شکست و بر خلاف میل و اراده پیشوایان دینی می داند، پذیرفتنی نیست، و در صورت وجود روایاتی که این اندیشه را تأیید می کنند، باید آنها را به صورتی که با روایات یمانی جمع پذیر باشد، تأویل کرد.

حتمی یا غیرحتمی بودن جنبش یمانی

یکی از تقسیمات معروف نشانه‌های ظهور که ریشه در روایات دارد، تقسیم علائم به حتمی و غیرحتمی است. نشانه‌های حتمی، حتماً پیش از ظهور تحقق می یابند، اما در نشانه‌های غیرحتمی احتمال عدم تحقق نیز وجود دارد. آیا جنبش یمانی نیز از نشانه‌های حتمی ظهور است، یا غیرحتمی؟ در میان مجموعه احادیثی که نشانه‌های ظهور را به حتمی و غیر حتمی تقسیم کرده‌اند، در دو روایت به حتمی بودن قیام یمانی تصریح شده است. شیخ نعمانی روایت اول را به سند خود و در کتاب الغیبة، از امام صادق علیه السلام چنین نقل کرده است:

السَّمَاءُ مِنَ الْمَحْتَمِومِ وَالسَّفِيَانِيُّ مِنَ الْمَحْتَمِومِ وَالْيَمَانِيُّ مِنَ الْمَحْتَمِومِ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ مِنَ الْمَحْتَمِومِ وَكَفُّ طَلْعِ مِنَ السَّمَاءِ مِنَ الْمَحْتَمِومِ^{۱۰}

ندای آسمانی از نشانه‌های حتمی است و سفیانی و یمانی و کشته شدن نفس زکیه و کف دستی که از افق آسمان نمایان می شود نیز از نشانه‌های حتمی هستند.

در نسخه کتاب الغیبة نعمانی که مرحوم غفاری آن را تصحیح کرده، روایت به شکل فوق آمده، اما در کتاب‌های بحار الانوار^{۱۱} و اثبات الهداة^{۱۲} که این روایت را از الغیبة نعمانی روایت کرده‌اند، جمله «الْيَمَانِيُّ مِنَ الْمَحْتَمِومِ» وجود ندارد. براین اساس، روایت یاد شده علاوه بر ضعف سند از مشکل اختلاف نسخ نیز رنج می برد، و از این رو، نمی توان بر مبنای آن قاطعانه قضاوت کرد.

حدیث دوم را که شیخ صدوق در کتاب کمال الدین و تمام النعمة به سند خود از عمر بن حنظله و او از امام صادق علیه السلام نقل کرده، چنین است:

قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ خَمْسُ عِلَامَاتٍ مَحْتَمَاتٍ الْيَمَانِيُّ وَالسَّفِيَانِيُّ وَالصَّبِيحَةُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَالخَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ^{۱۳}

پیش از قیام قائم صلوات الله علیه پنج علامت حتمی وجود خواهد داشت: یمانی، سفیانی، صیحه آسمانی، کشته شدن نفس زکیه و فرورفتن در سرزمین بیداء.

علاوه بر شیخ صدوق، شیخ کلینی در کافی^{۱۴} و شیخ نعمانی در الغیبة^{۱۵} نیز همین روایت را به اسناد خود از عمر بن حنظله از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند، اما در این دو کتاب واژه «محتومات» وجود ندارد. به احتمال بسیار، از آن جا که همگی سه روایت یاد شده را از عمر بن حنظله از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند، نمی توان آن را بیش از یک حدیث دانست. از میان این سه نقل، روایت نعمانی سند معتبری ندارد، اما روایت



(استخلاف، استدراج و...)

۱۹. واسطه فیض از نگاه قرآن؛

۲۰. موانع تحقق عدالت فراگیر از منظر قرآن؛

۲۱. نگاه عیسوی به مهدویت در تفاسیر اهل سنت

(تحلیل و نقد)؛

۲۲. نقش امام مهدی عجل الله فرجه به عنصوان حامل

امروزین سنت در سه حوزه تقریر، تبیین و نوگستری

آموزه‌های قرآن؛

۲۳. ظهور، رجعت و قیامت مراحل از یک

حقیقت (تبیین و تحلیل)؛

۲۴. اثبات وجود فعلی امام مهدی عجل الله فرجه از منظر

قرآن کریم؛

۲۵. بررسی و نقد کتاب‌های مهدویت در قرآن؛

۲۶. شناسایی حوزه‌های قابل بررسی در مورد

مهدویت در قرآن.

۲۷. روایات صحیح مهدوی؛

۲۸. امام مهدی عجل الله فرجه در احادیث قدسی؛

۲۹. امامت امام مهدی عجل الله فرجه از منظر روایات؛

۳۰. اثبات وجود فعلی امام مهدی عجل الله فرجه بر اساس

احادیث:

الف) «من مات»؛

ب) «ائمة اثنا عشر»؛

ج) «ثقلین»؛

د) ...

۳۱. بررسی روایاتی که حکم به کفر شاک در امام

عصر عجل الله فرجه کرده است؛

۳۲. آثار مهدی‌باوری از منظر روایات؛

۳۳. مهدی نوعی یا شخصی از منظر روایات؛

۳۴. بررسی نسب امام مهدی عجل الله فرجه (امام مهدی عجل الله فرجه)؛

حسنی است یا حسینی یا عباسی و یا فاطمی)؛

۳۵. حکم نام بردن امام مهدی عجل الله فرجه؛

۳۶. القاب امام مهدی عجل الله فرجه و علت آنها؛

۳۷. تحلیل دست بر سر نهادن و بلند شدن هنگام

ذکر نام «قائم»؛

۳۸. توقیعات، کلمات و گفتار امام مهدی عجل الله فرجه؛

۳۹. تحلیل و بررسی ادعیه و زیارات مأثور مربوط

به امام زمان عجل الله فرجه با توجه به اشکالات وارد بر آنها؛

۴۰. ویژگی‌های ظاهری امام مهدی عجل الله فرجه از منظر

کافی معتبر است، هم‌چنان که به نظر می‌رسد، نقل شیخ صدوق نیز از نظر سندی اطمینان‌پذیر است. بنابراین، در برابر ما یک روایت با دو نقل متفاوت وجود دارد: در یک نقل «خمس علامات قبل قیام القائم» است و در نقل دیگر «قبل قیام القائم خمس علامات محتومات».

در پاسخ به این سؤال که کدام یک از آنها بر دیگری ترجیح دارد، باید گفت:

الف) سند روایت کافی از سند روایت کمال‌الدین معتبرتر است، زیرا در سند کمال‌الدین، حسین بن حسن بن ابان وجود دارد که این شخصیت در کتاب‌های رجالی قدما توثیق نشده است، اما علامه وی را توثیق کرده است.^{۲۱}

مرحوم آیت‌الله خوبی نیز بر اساس وقوع در اسناد کامل زیارات ایشان را توثیق کرده،^{۲۲} لیکن از مبنای خود عدول نموده‌اند.^{۲۳} تردید در وثاقت شخصیت یاد شده، باعث می‌شود که روایت کتاب کافی از روایت کتاب کمال‌الدین، دست‌کم معتبرتر باشد.

ب) بر فرض که اعتبار سند این دو روایت به یک اندازه باشد، باز هم روایت کتاب کافی ترجیح دارد، زیرا مطلب مورد نظر از موارد دوران امر بین زیاده و نقیصه است و بر اساس بنای عقلا در این گونه موارد، اصل عدم زیاده، بر اصل عدم نقیصه مقدم است. آیت‌الله خوبی در این باره می‌فرماید:

آهنگامی که یک حدیث به دو صورت روایت شده باشد، به گونه‌ای که یک روایت مشتمل بر زیاده و دیگری فاقد آن زیاده باشد، بنای عقلا بر عمل به زیاده است، چون گاهی انسان یک یا دو کلمه را فراموش می‌کند، اما این که از روی فراموشی یک یا دو کلمه را به روایت اضافه کند، بسیار بعید است.^{۲۴}

اما علی‌رغم بنای عقلا بر تقدیم اصل عدم زیاده بر اصل عدم نقیصه، به نظر می‌رسد موضوع مورد بحث ما از مصادیق قاعده یاد شده نباشد، چون با نگاهی گذرا به روایات علامه الظهور به سادگی می‌توان دریافت که در بسیاری از این روایات تعدادی از علائم، محتوم خوانده شده‌اند. برای نمونه امام صادق عجل الله فرجه در این باره فرموده‌اند:

من الأمر محتوم و منه ما ليس بمحتوم و من المحتوم فروع السفینائی فی رجب:^{۲۵}

برخی از امور حتمی و برخی غیر حتمی‌اند و یکی از امور حتمی خروج سفینائی در ماه رجب است.

مسئله تقسیم نشانه‌های ظهور به حتمی و غیر حتمی، آن‌قدر مسلم بوده است که گاهی اصحاب ائمه عجل الله فرجه از حتمی یا غیر حتمی بودن برخی از نشانه‌ها سؤال می‌کردند. این سؤالات نشان‌دهنده مسلم بودن اصل تقسیم نشانه‌ها به حتمی و غیر حتمی است.

افزون بر این، از میان نشانه‌های ظهور معمولاً پنج علامت در کنار هم ذکر می‌شوند و گاهی این پنج علامت به حتمیت توصیف شده‌اند، مثلاً ابو حمزه ثمالی می‌گوید: از امام باقر عجل الله فرجه سؤال کردم: آیا خروج سفینائی از حتمیات است؟ فرمودند:

نعم و التمام من المحتوم و طلوع الشمس من مغربها محتوم و اختلاط بنی العباس فی الدولة محتوم و قتل النفس الزکیة

مَعْتَرَمٌ وَ خُرُوجُ الْقَائِمِ مِنَ الْمَصِيدِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعْتَرَمٌ: ٢٦

بله و ندای آسمانی حتمی است، طلوع خورشید از مغرب حتمی است، اختلاف بنی عباس بر سر حکومت حتمی است، کشته شدن نفس زکیه حتمی است و خروج قائم آل محمد علیه السلام حتمی است.

از آن چه گذشت، روشن شد که توصیف بخشی از علائم ظهور به محتوم، در فرهنگ روایات متداول و شایع بوده و گاهی پنج نشانه به حتمیت توصیف می شده‌اند، و از آن جا که در روایت مورد بحث، پنج نشانه در کنار هم ذکر شده، و بسیاری از این علائم در جاهای دیگر به محتوم توصیف شده‌اند،^{٢٧} بعید نیست که یکی از راویان این حدیث بر اساس مرتکرات ذهنی خود و از روی سهو، واژه محتوم را به روایت افزوده باشد. نظیر این مطلب را مرحوم نائینی در مورد حدیث «لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ» بیان کرده‌اند. ایشان در این باره می‌گویند: روایتی که نزد شیعه و اهل سنت شهرت دارد، این کلام رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است: «لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ»، بدون افزودن کلمه «فی الاسلام» یا «علی المؤمن»، زیرا در مقام تعارض میان زیاده و نقیصه، بنای اهل حدیث و درایه بر تقدیم اصل عدم زیاده بر اصل عدم نقیصه است، یعنی حکم بر این که آن زیاده در واقع وجود داشته و از روایت دیگری که آن زیاده را ندارد، ساقط شده است، و بسیار بعید می‌نماید که راوی از پیش خود چیزی را بر حدیث اضافه کند، اما سقوط کلمه‌ای از حدیث خیلی بعید نیست. لذا بر اساس اصل عدم غفلت، حجیت هر دو اصل، منافاتی ندارد، اما در این بحث خصوصیتی وجود دارد که به دلیل آن، اصل عدم نقیصه بر اصل عدم زیاده مقدم است، زیرا اگر منشأ حجیت این دو اصل، بنای عقلا باشد و اگر منشأ تقدیم اصل عدم زیاده بر اصل عدم نقیصه همان چیزی باشد که توضیح داده شده، (غفلت یکی از راویان و اضافه کردن چیزی بر حدیث بعیدتر است از این که راوی دیگری غفلت کند و چیزی را فراموش نماید)، این مطلب مخصوص زیاده‌هایی است که از ذهن دور است، نه معانی و واژه‌های مأنوس و متداول. بر این اساس، کلمه «فی الاسلام» یا «علی المؤمن» از مصادیق قاعده‌ای نیست که نزد اهل حدیث و درایه مسلم است (تقدیم اصل عدم زیاده بر اصل عدم نقیصه).

اما واژه اول (فی الاسلام): اگر نقل به معنا در احادیث مربوط به احکام شرعی، نه خطبه‌ها و دعاها، جایز باشد این امکان وجود دارد که راوی هنگامی که قضیه‌ای را از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند واژه فی الاسلام را به آن بیفزاید، زیرا نفی ضرر از آن جا که از مجموعلات شرعی است راوی گمان می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را در اسلام نفی کرده‌اند؛ خصوصاً با توجه به این که این واژه در غالب احکام آن حضرت وجود دارد؛ مانند: لَارْهَابِيَّةَ فِي الْإِسْلَامِ، لَا ضَرَّوْرَةَ فِي الْإِسْلَامِ، لَا إِخْصَاءَ فِي الْإِسْلَامِ و امثال آن. پس راوی از پیش خود نفی ضرر را با نفی ضرورۃ قیاس کرده است...»^{٢٨}

از کلمات مرحوم نائینی چنین برمی‌آید که تقدیم اصل عدم زیاده در مواردی است که این زیاده، شایع و متداول نباشد. به نظر می‌رسد که در فضای روایات علائم الظهور، واژه محتوم از واژه‌های شایع و مأنوس بوده، و از این رو، قاعده تقدیم اصل عدم زیاده بر اصل عدم نقیصه در آن جاری نیست.

(ج) کتاب کافی نسبت به تمام کتاب‌های حدیثی و از جمله کمال الدین ضابط‌تر است.^{٢٩} از این رو، روایت کافی بر روایت کمال الدین ترجیح دارد.

خلاصه، بر اساس این قراین سه‌گانه، روایت کتاب کافی که واژه محتومات در آن نیامده بر روایت کمال الدین ترجیح دارد و از این رو حتمی بودن جنبش یمانی، اثبات‌پذیر نیست.

نام یمانی

در مورد نام واقعی یمانی حدیثی از پیشوایان معصوم علیهم السلام به دست ما نرسیده است. عدم تصریح به نام این شخصیت می‌تواند به دلیل حفاظت از جان او و در امان ماندن او از سوء قصد‌های احتمالی باشد تا این شخصیت بزرگ بتواند در زمان مقرر، رسالت مقدس خود را به انجام رساند. اما در کلمات غیر معصومان و در منابع اهل سنت



روایات؛

۴۱. ویژگی های امام مهدی عجله نسبت به دیگر معصومان علیهم السلام؛

۴۲. شباهت های امام مهدی عجله با اولیا و انبیای الهی؛

۴۳. حقیقت غیبت از منظر روایات؛

۴۴. پیشینه غیبت؛

۴۵. دلایل غیبت از منظر روایات؛

۴۶. ارتباط معنوی با امام در عصر غیبت از منظر

روایات؛

۴۷. ملاقات؛

الف) ملاک و معیار ادعاهای صحیح در

ملاقات؛

ب) جمع تکذیب مدعی رؤیت و اخبار دال

بر رؤیت.

۴۸. عرضه نویسی؛

۴۹. جلوه های محبت امام به مردم از منظر

روایات؛

۵۰. حقوق امام مهدی عجله بر مردم؛

۵۱. فواید امام غایب از منظر روایات؛

۵۲. عرضه اعمال بر امام مهدی عجله؛

۵۳. نحوه حضور امام مهدی عجله در جامعه و

ایفای مسئولیت های امامت؛

۵۴. جایگاه امام مهدی عجله در عصر غیبت

(جزیره خضراء، ذی طوی،...)

۵۵. ازدواج و فرزند داشتن امام مهدی عجله از

منظر روایات؛

۵۶. انتظار از منظر روایات (مفهوم، فضیلت،

پیشینه، آداب، آثار، و...)

۵۷. تقیه و انتظار؛

۵۸. قیام های پیش از ظهور؛

۵۹. بررسی کشتارهای پیش از ظهور؛

۶۰. آسیب شناسی جامعه منتظر از منظر روایات؛

۶۱. راه های برون رفت از فتنه های آخر الزمان؛

۶۲. مفهوم و اقسام فرج و نسبت آن با ظهور؛

۶۳. تفاوت یا اتحاد ظهور و قیام؛

۶۴. حصولی یا تحصیلی بودن ظهور؛

۶۵. شرایط ظهور از دیدگاه روایات؛

اشاره هایی به نام این شخصیت شده است، از جمله:

علامه مجلسی از کتاب مشارق الانوار برسی از کعب بن حارث از سطح کاهن چنین روایت می کند:

... ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْ صَنْعَاءَ الْيَمَنِ أَبْيَضَ كَالْقَطْرِ اسْمُهُ حُسَيْنٌ أَوْ حَسَنٌ
فَيُدَلِّسُ بِبَخْرٍ وَجْهَهُ عَمْرُ الْفَتَنِ فَرَسْنَاكَ بِضَرْبِ مَبَارِكَا زَكِيًّا وَصَادِيًّا
مَسْرِيًّا؛

... سپس از صنعای یمن مردی سفید، بسان پنبه به نام حسین یا حسن قیام می کند و با قیام او سختی فتنه ها پایان می یابد. در این هنگام شخصیت مبارک و پاک و هدایت کننده و هدایت شده ظهور می کند.

این حجر در شرح حدیث: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ قَحْطَانَ»^{۳۱} از پیامبر صلی الله علیه و آله می نویسد:

نام این شخصیت را پیدا نکردم، لیکن قرطبی احتمال داده است که نام وی جهجاه باشد، زیرا مسلم پس از نقل روایت فوق با سند دیگری از ابوهریره از پیامبر چنین نقل کرده است: «لَا تَذْهَبُ الْآيَامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ جَهْجَاهُ؛ رُوزَهَا وَشَبَّهَا بِه پايان نمی رسند تا مردی که به او جهجاه گویند به حکومت رسد.»^{۳۲} این حجر در جای دیگر در مورد نام قحطانی (یمانی) می نویسد:

در کتاب التيجان ابن هشام مطالبی یافتیم که نشان می دهد نام و سیره قحطانی و زمان قیام او مشخص بوده است. ابن هشام می نویسد: عمران بن عامر، کاهن و پادشاهی بزرگ بود که عمری طولانی داشت. وی هنگام مرگ به برادرش عمر بن عامر، معروف به مزقیبا گفت: خداوند تو غضب و دو رحمت برای اهل یمن دارد: غضب اول: ویران شدن سد مأرب و در نتیجه خراب شدن شهرها بود، غضب دوم: تصرف یمن توسط حبشه. اما رحمت اول: مبعوث شدن پیامبری از تهامه با نام محمد است که به رحمت مبعوث می شود و بر مشرکان پیروز می گردد، رحمت دوم: زمانی است که خانه خدا ویران شود. در آن حال خداوند مردی را که به او شعیب بن صالح گفته می شود بر می انگیزد و ویران کنندگان را از آن جا بیرون کرده و نابود می نماید، تا این که در دنیا جز در سرزمین یمن یمانی یافت نشود.^{۳۳}

مسعودی نیز پس از این که سر بر تافتن عبدالرحمان بن محمد بن اشعث را از فرمان عبدالملک مروان نقل می کند، می گوید:

او خود را ناصر المؤمنین نام نهاد و مدعی شد که همان قحطانی است که اهل یمن در انتظارش هستند. اوست که زمامداری را به اهل یمن باز می گرداند. وقتی به او گفته شد که نام قحطانی بر سه حرف است، در پاسخ گفت: نام من عبد است و «الرحمان» جزو اسم من نیست.^{۳۴}

آن چه گذشت، تنها برای آشنایی با دیدگاه دانش مندان و محدثان در مورد نام یمانی بود، اما از نظر ضوابط علمی نمی توان به مطالب یاد شده اعتماد کرد، زیرا از معصوم صادر نشده و از اسناد متقنی برخوردار نیستند. بنابراین، در مورد نام یمانی نمی توان

اظهار نظر قاطعانه‌ای کرد.

حال سؤال اساسی این است که اگر در روایات نام این شخصیت نیامده، با چه واژه‌هایی به او اشاره شده و درباره او سخن گفته شده است؟ در پاسخ باید گفت، واژه‌هایی که برای اشاره به این شخصیت به کار رفته‌اند، عبارت‌اند از:

۱. **یمانی**: در اکثر قریب به اتفاق روایات ائمه علیهم‌السلام این واژه به کار رفته است، مثلاً وقتی از امام باقر علیه‌السلام سؤال شد که قائم شما چه زمانی ظهور خواهد کرد، فرمودند:

إِذَا تَشَبَّهَ الرَّجُلُ بِالنَّسَاءِ ... وَ خُرُوجَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ النَّسَامِ وَالْيَمَانِيِّ مِنَ الْيَمَنِ وَ خَسْفَ الْيَمِينِ...^{۳۷}

هنگامی که مردان شبیه زنان شوند... و سفیانی از شام و یمانی از یمن قیام کند و فرورفتن در سرزمین بیداء رخ دهد...

۲. **منصور الیمانی و منصور**: از امام باقر علیه‌السلام چنین نقل شده است:

إِذَا ظَهَرَ السُّفْيَانِيُّ عَلَى الْإِبَقِ وَالْمَنْصُورِ الْيَمَانِيِّ، خَرَجَ التُّرْكُ وَالرُّومُ فَظَهَرَ عَلَيْهِمُ السُّفْيَانِيُّ...^{۳۸}

چون سفیانی بر ابقع و منصور یمانی پیروز شود، ترک و روم قیام می‌کنند و سفیانی بر آنها نیز پیروز می‌شود.

در حدیث دیگری فرموده‌اند:

... نَمَّ سِيسِرُ الْيَرْسَمِ مَنْصُورُ الْيَمَانِيِّ مِنْ صَنْعَاءَ بَعْنُورَهُ...^{۳۹}

... سپس منصور یمانی همراه سپاهیان‌اش از سوی صنعاء به سوی آنها رهسپار می‌شود.

در روایتی از خروج مردی از یمن که یاری‌دهنده جانشین پیامبر است، با عنوان منصور یاد می‌شود. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این روایت در وصف اهل یمن فرموده‌اند:

قَوْمٌ رَقِيقَةٌ قُلُوبُهُمْ رَاسِخٌ اِيْمَانُهُمْ وَ مَسْرُومٌ الْمَنْصُورُ يَخْرُجُ فِي سَبْعِينَ اَلْفًا يَنْصُرُ خَلْفِي وَ خَلْفَ وَصِيِّ...^{۴۰}

مردم سرزمین یمن قلب‌هایی رقیق و ایمان‌هایی استوار دارند. منصور که با هفتاد هزار نفر قیام می‌کند و جانشین من و جانشین وصی مرا یاری می‌دهد، از آنهاست.

عبدالله بن عمر بن عاص نیز خطاب به اهل یمن چنین گفته است:

ای اهل یمن! شما گمان می‌کنید منصور از شماست؟ سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، چنین نیست، بلکه پدر او قریشی است...^{۴۱}

به نظر می‌رسد منظور عبدالله از منصور همان مرد یمنی معروف (قحطانی) باشد که ابوهریره درباره‌اش از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چنین روایت کرده است:

لَا تَقْرُومُ السَّاعَةَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ قَحْطَانَ...^{۴۲}

قیامت برپا نمی‌شود تا این که مردی از یمن قیام کند.

هم‌چنان که خواهد آمد، قحطانی تعبیر دیگری از یمانی است. واژه منصور نیز به همین شخصیت اشاره دارد.

البته نمی‌توان ادعا کرد که واژه منصور در تمامی روایات به یمانی اشاره دارد، اما این مطلب حداقل در بخشی از روایات پذیرفتنی است و آن‌چه در این میان معیار قضاوت است، قراین داخلی و خارجی روایات است.



۶۶. تفاوت شرایط با نشانه‌های ظهور؛
۶۷. موانع ظهور از منظر روایات؛
۶۸. راه کارهای ممکن برای تعجیل ظهور؛
۶۹. طبیعی یا اعجاز آمیز بودن قیام امام مهدی عج؛
۷۰. نمادین یا واقعی بودن نشانه‌های ظهور؛
۷۱. فواید نشانه‌های ظهور؛
۷۲. بدا و نشانه‌های ظهور؛
۷۳. بررسی روایات درباره سفیانی و جمع بندی و تحلیل آنها؛
۷۴. بررسی روایات درباره دجال و جمع بندی و تحلیل آنها؛
۷۵. بررسی روایات درباره سیدحسینی و جمع بندی و تحلیل آنها؛
۷۶. بررسی روایات درباره خراسانی و جمع بندی و تحلیل آنها؛
۷۷. بررسی روایات درباره یمانی و جمع بندی و تحلیل آنها؛
۷۸. بررسی روایات درباره خسف پیدا و جمع بندی و تحلیل آنها؛
۷۹. بررسی روایات درباره شعیب بن صالح و جمع بندی و تحلیل آنها؛
۸۰. بررسی روایات درباره قتل نفس زکیه و جمع بندی و تحلیل آنها؛
۸۱. بررسی روایات درباره پرچم‌های سیاه و جمع بندی و تحلیل آنها؛
۸۲. بررسی روایات درباره صیحه آسمانی و جمع بندی و تحلیل آنها؛
۸۳. بررسی روایات درباره شهر قم و جمع بندی و تحلیل آنها؛
۸۴. بررسی روایات مربوط به طلوع خورشید از مغرب و جمع بندی و تحلیل آنها؛
۸۵. بررسی روایات مربوط به گسترش ظلم و فساد و جمع بندی و تحلیل آنها؛
۸۶. جداسازی احادیث ملاحم از احادیث نشانه‌های ظهور؛
۸۷. نشانه‌های ظهور و اشراف الساعه؛
۸۸. تعیین وقت ظهور از منظر روایات؛

۳. الخلیفة الیمانی: از ارطاة چنین نقل شده است:

على يدى ذلك الخليفة اليماني الذي تفتح القسطنطينية و رومية على يده يخرج الرجال و في زمانه ينزل عيسى بن مريم عليه السلام؛^{۲۱}
در زمان آن پیشوای یمانی که استانبول و روم به دست او فتح می‌شود، دجال ظهور می‌کند و عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان نزول می‌نماید.

واژه یاد شده در کلمات پیشوایان دینی به کار نرفته است.

۴. قحطانی: به جز واژه «یمانی» و «منصور الیمانی» و «الخلیفة الیمانی» که به مردی از اهل یمن تصریح دارند، به احتمال قوی واژه «قحطانی» که در روایات متعددی خصوصاً در منابع اهل سنت آمده نیز به همین شخصیت اشاره دارد، زیرا قحطانی تعبیر دیگری از یمانی است.

این منظور می‌نویسد: «قحطان پدر اهل یمن است و منسوب به آن طبق قیاس قحطانی است.»^{۲۲}

طریحی نیز می‌نویسد: «یعر ب بن قحطان اولین کسی است که به عربی سخن گفت و او پدر تمام یمنی‌هاست.»^{۲۳}

ابن حجر نیز در این باره می‌نویسد: «نسب تیره‌های مختلف یمن از حمیر، کنده، همدان و دیگران به قحطان منتهی می‌شود.»^{۲۴}

علاوه بر آن چه گذشت، از روایات متعددی نیز مطلب یادشده اثبات می‌شود. برای نمونه، در روایتی قحطان و یمن در کنار هم ذکر شده و شخصیت مورد نظر به هر دو نسبت داده شده است: ابن حماد به سند خود از کعب چنین روایت می‌کند:

يكون بعد المردى خليفة من اهل اليمن من قحطان اهل المردى في دينة يعمل بعمله و هو الذي يفتح مدينة الروم؛^{۲۵}

بعد از مهدی حکمرانی از اهل یمن از قحطان خواهد بود که در دین - داری شبیه مهدی خواهد بود و مانند او رفتار خواهد کرد. او همان کسی است که روم را فتح خواهد کرد.

مناوی از بسطامی چنین نقل می‌کند:

«قبل از نزول عیسی علیه السلام مردی که به او اصبهت گفته می‌شود در منطقه جزیره خروج می‌کند و مردی از شام به نام جرهم بر او می‌شورد. پس از آن مردی از یمن به نام قحطانی خروج می‌کند. در همین زمان به ناگاه سفیانی از غوطه دمشق قیام می‌کند، نام او معاویه بن عنبسه است... اولین کسی که با او مقابله می‌کند، قحطانی است ولی او شکست می‌خورد.»^{۲۶}

باز از کعب چنین روایت شده است:

«اولین کسی که خروج می‌کند و مناطق مختلف را به تصرف در می‌آورد، اصبهت است. او از منطقه جزیره قیام خود را آغاز می‌کند. پس از او جرهمی از شام و قحطانی از یمن خروج می‌کنند. در حالی که این سه نفر با ستم در صدد تسلط بر مواضع خود هستند، سفیانی از دمشق قیام می‌کند.»^{۲۷}

روایات یاد شده از معصوم صادر نشده‌اند و در جزئیات مسئله با آنچه بعد اثبات خواهد شد تفاوت دارند، لیکن این مسئله را ثابت می‌کنند که بر اساس برداشت محدثان و راویان، قحطانی همان یمانی است، چون خصوصیات یمانی هم‌چون قیام از یمن، هم‌زمانی با سفیانی، جنگ و درگیری با سفیانی و برخورداری از شخصیتی مثبت که در روایات اهل بیت علیهم‌السلام از خصوصیات یمانی شمرده شده، در این روایات به قحطانی نسبت داده شده است. بنابراین، به نظر می‌رسد در ترسیم ابعاد مختلف جنبش یمانی می‌توان از روایات قحطانی نیز بهره جست. این برداشت را برخی از علمای معاصر نیز تأیید کرده‌اند.^{۴۸}

علی‌رغم دیدگاه برخی از دانش‌مندان معاصر و نیز قرآینی که بر اتحاد قحطانی و یمانی دلالت می‌کردند، در میان مجموعه سخنان پیشوایان دینی یک حدیث نیز وجود دارد که بر تفاوت شخصیت یمانی و قحطانی دلالت می‌کند. روایت یاد شده بدین قرار است:

امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

أول من يخرج منسرم رجل يقال له اصرب بن قيس... ثم يخرج الجرهمي من الشام ويخرج القحطاني من بلاد اليمن ولكل واحد من هؤلاء شوكة عظيمة في ولايتهم ويغلب على أهلها الظلم والفتنة منسرم فينالهم كذلك يخرج عليهم... السفیانی من الوادي اليابس... وقد يكون ضروجه و خروج الیمانی من الیمن مع الرایات البيض فی یوم واحد و تسیر واحد و سنة واحدة. فأول من یقاتل السفیانی القحطانی فینسزم و یرجع الی الیمن و یقتله الیمانی... فینرض الیمانی لدفع سره فینسزم السفیانی بعد معاربات عمیده و مقاتلات تسریده فینسبه الیمانی فنکثر الصروب و لزیمة السفیانی فیجده الیمانی فی سر اللو مع انه فی الاسارى فیقظهما إربا إربا ثم یعیث فی سلطنته فارغا من الاعداء ثلاثین سنة ثم یفوض الملک الیه السعید و یأوی مکه و ینتظر ظهور قائمنا صلی الله علیه و آله حتی یحرق فیبقی ابنه بعد وفاة ابيه فی ملکه و سلطانه قریبا من اربعین سنة و لها یرجعان الی الدنیا برعاء قائمنا علیه السلام. قال زراة: فسلنته عن مدة ملك السفیانی قال علیه‌السلام: تسع عشرین سنة.^{۴۹}

اولین فردی که خروج می‌کند، مردی است که به او اصهب بن قیس گفته می‌شود... سپس جرهمی از شام و قحطانی از مناطق یمن بیا می‌خیزند. هر یک از این سه در سرزمین‌های خود دارای شوکت و عظمت‌اند و به مردم سرزمین خود ظلم و ستم روا می‌دارند... پس از آن سفیانی از سرزمین خشک خروج می‌کند... خروج او با خروج یمانی از یمن با پرچم‌های سفید در یک روز و یک ماه و یک سال خواهد بود. اول کسی که با سفیانی جنگ می‌کند، قحطانی خواهد بود، اما قحطانی شکست می‌خورد و به یمن می‌گریزد و به دست یمانی کشته می‌شود... پس یمانی برای دفع سر سفیانی قیام می‌کند و سفیانی پس از جنگ‌های فراوان و درگیری‌های شدید می‌گریزد. در نهایت که جنگ‌ها و گریختن سفیانی بسیار می‌شود، یمانی، او و پسرش را نزد رود «لو» در میان اسیران می‌باید و آنها را قطعه قطعه می‌کند. سپس یمانی فارغ از دشمنان، سی سال حکومت می‌کند و پس از آن، حکومت را به فرزندش سعید واگذار می‌نماید و در مکه سکنا می‌گزیند و منتظر ظهور قائم ما خواهد بود تا این که در آن جا رحلت می‌کند. حکومت فرزند او نیز نزدیک به چهل سال طول می‌کشد و آن دو به دعای قائمنا صلی الله علیه و آله به دنیا باز می‌گردند. زراة می‌گوید: از آن حضرت در مورد مدت حکومت سفیانی پرسیدم؛ فرمودند: حکومت او بیست سال طول می‌کشد.

روایت یاد شده تنها در کتاب مختصر اثبات الرجعة فضل بن شاذان وجود دارد. علاوه بر تردیدی که در انتساب کتاب مختصر اثبات الرجعة موجود به فضل بن شاذان وجود دارد، این روایت از نظر محتوایی، به دلیل تعارض با مجموعه‌های مختلفی از روایات، مناقشه‌پذیر است؛



از جمله:

۱. بر اساس روایت یاد شده، سفیانی حداقل هفتاد سال پیش از ظهور، به دست یمانی کشته می‌شود، در حالی که بر اساس روایات متعدد در زمان ظهور زنده است و یکی از دشمنان سرسخت امام مهدی علیه السلام است.^{۵۰}

۲. بر اساس روایت یاد شده حکومت سفیانی بیست سال طول می‌کشد، در حالی که طبق روایات متعددی که در میان آنها حدیث معتبر نیز وجود دارد، مدت حکومت او هشت یا نه ماه بیشتر به طول نمی‌انجامد.^{۵۱}

۳. بر اساس این روایت، قیام سفیانی حداقل نود سال پیش از ظهور خواهد بود، در حالی که بر اساس روایات متعدد، قیام سفیانی از نشانه‌های متصل به ظهور خواهد بود.^{۵۲}

به دلیل نکات یاد شده، روایت مورد نظر اطمینان‌پذیر نخواهد بود و به مضمون آن نمی‌توان اعتماد کرد. از این رو شواهدی که بر اتحاد یمانی و قحطانی دلالت می‌کردند، هم‌چنان پابرجا خواهند بود. با توجه به آنچه گذشت، ما از این پس در ترسیم تصویر شخصیت یمانی و جنبش او، از روایاتی بهره خواهیم برد که در آنها واژه‌های «یمانی»، «المنصور الیمانی»، «الخلیفه الیمانی»، «قحطانی» و یا «منصور» به کار رفته باشد.

زمان قیام یمانی

تعیین زمان دقیق قیام یمانی نیز مانند زمان ظهور و سایر نشانه‌های آن برای ما میسر نیست، لیکن روایات متعددی به پیوستگی جنبش یمانی با قیام سفیانی دلالت دارند، از جمله:

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

الیمانی والسفیانی کفرسی زمان؛^{۵۳}

یمانی و سفیانی مانند دو اسب مسابقه‌اند.

این مطلب آن قدر مسلم بوده که امام صادق علیه السلام برای نفی قیام سفیانی در زمان خود بر عدم قیام یمانی استدلال فرموده‌اند. هنگامی که در محضر آن امام از خروج سفیانی سخن به میان آمد، فرمودند:

أبی یخرج ذلک و لیس یخرج کاسر عینیه یصنعها؛^{۵۴}

کی و چگونه سفیانی قیام می‌کند، در حالی که کسی که چشم او را از کاسه در می‌آورد، هنوز از صنعا خروج نکرده است.

ابن حماد نیز از امام باقر علیه السلام چنین روایت کرده است:

انا ظنر السفیانی علی الابقع والمنصور الیمانی خرج التریک

والروم فظنر علیهم السفیانی؛^{۵۵}

چون سفیانی بر ابقع و منصور یمانی پیروز شود، ترک و روم خروج می‌کنند و سفیانی بر آنها نیز غلبه می‌یابد.

۸۹. علم امام مهدی علیه السلام به زمان ظهور؛

۹۰. جمعه یا شنبه بودن روز ظهور؛

۹۱. سیر حوادث ظهور؛

۹۲. هدف ظهور؛

۹۳. راه‌های شناخت امام مهدی علیه السلام از مدعیان

مهدویت؛

۹۴. امام مهدی علیه السلام میراث‌دار انبیا و اولیا؛

۹۵. ابدال، اوتاد و نجبا در روایات؛

۹۶. ویژگی یاران امام مهدی علیه السلام؛

۹۷. تعداد یاران امام مهدی علیه السلام؛

۹۸. ملیت و اسامی یاران امام مهدی علیه السلام؛

۹۹. نقش و جایگاه جوانان در حکومت

مهدوی؛

۱۰۰. نقش و جایگاه زنان در حکومت مهدوی؛

۱۰۱. نقش و جایگاه ایرانیان در حکومت

مهدوی؛

۱۰۲. رجعت و دلایل آن از منظر روایات؛

۱۰۳. رجعت ائمه علیهم السلام؛

۱۰۴. رجعت پیامبران علیهم السلام؛

۱۰۵. بانوان رجعت‌کننده در زمان ظهور

(سرگذشت و ویژگی‌ها)؛

۱۰۶. مردان رجعت‌کننده در زمان ظهور

(سرگذشت و ویژگی‌ها)؛

۱۰۷. سایر رجعت‌کنندگان؛

۱۰۸. مدت دوران رجعت؛

۱۰۹. اتفاقات دوران رجعت؛

۱۱۰. امام مهدی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام؛

۱۱۱. امام مهدی علیه السلام و اهل کتاب؛

۱۱۲. امام مهدی علیه السلام و مشرکان؛

۱۱۳. امام مهدی علیه السلام و اهل سنت؛

۱۱۴. بررسی کشتارهای هنگام قیام، از منظر

روایات؛

۱۱۵. قیام به شمشیر؛

۱۱۶. بررسی و تحلیل چگونگی غلبه امام

مهدی علیه السلام بر قدرت‌های جهانی؛

۱۱۷. بررسی روایات فتوحات امام مهدی علیه السلام؛

۱۱۸. حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام از منظر

روایات؛

در روایت دیگری فرموده‌اند:

ثم يسير اليريم منصور السمانى من صنعاء، فينقى لشو والأخوص... فيكون يسيرما
فقال شريد ثم يظفر الأخوص السفينى عليه...
سپس منصور یمانی همراه با سپاهیان از صنعاء به سمت آنها رهسپار می‌شود... او با اخوص
روبه‌ور می‌شود... میان آن دو جنگی سخت درمی‌گیرد و سفینای اخوص بر او غلبه می‌یابد.

از مجموع این روایات و روایاتی که خواهد آمد، به تلاقی جنبش یمانی و سفینای حداقل در بخشی از زمان
می‌توان مطمئن شد و از آن‌جا که بر اساس روایات متعدد و معتبر خروج سفینای از علائم سال ظهور است، قیام
یمانی نیز از نشانه‌های نزدیک به ظهور خواهد بود. از جمله روایات معتبری که بر پیوستگی قیام یمانی با ظهور -
و در نتیجه پیوستگی قیام یمانی با ظهور - دلالت دارند، این روایت از امام باقر علیه السلام است:

... فينزل امير جيش السفينيات البدياء فيسارى فناد من السماء، «يا بدياء ابيدي القوم»
فيخسف برسم... والقائم يومئذ سكة قد اشد ظمرا الى البيت الغرام مستنجرا به فينادي
يا ابريا الناس...
امیر سپاه سفینای در منطقه بیداء فرود می‌آید، پس ندا دهنده‌ای از آسمان ندا می‌دهد: «ای بیداء
این گروه را در خود فرو ببر» پس آنها در زمین فرو می‌روند... قائم علیه السلام در آن روز در مکه
حضور دارد و در حالی که به خانه کعبه پناهنده شده و به آن تکیه کرده ندا می‌دهد: ای مردم...

نکته یاد شده (پیوستگی قیام سفینای با ظهور امام مهدی علیه السلام) را می‌توان از این روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز
به دست آورد:

ما انقضتني بدون المهدى...
قحطانی بدون مهدی نخواهد بود.

در مجموعه روایات نشانه‌های ظهور، سه روایت وجود دارد که علاوه بر دلالت بر تلاقی قیام یمانی با خروج
سفینای، آغاز این دو جنبش و جنبش خراسانی را دقیقاً در یک سال و یک ماه و یک روز بیان کرده است. امام
باقر علیه السلام در این خصوص فرموده‌اند:

... خروج السفينيات و اليماني و الخراساني في سنة واحدة في شهر واحد في يوم واحد...
خروج سفینای و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز است.

از امام صادق علیه السلام نیز چنین روایت شده است:

... وقد يكون خروجهم و خروج اليماني من اليمن مع الرايات البيض في يوم واحد و تسير
واحد و سنة واحدة...
خروج سفینای و خروج یمانی با پرچم‌های سفید از یمن در یک روز و یک ماه و یک سال
خواهد بود.

آن حضرت در روایت دیگری فرموده‌اند:

... خروج الخراساني و السفينيات و اليماني في سنة واحدة في شهر واحد في يوم
واحد...
خروج سه نفری خراسانی، سفینای و یمانی در یک سال و یک ماه و یک روز است.

به وثاقت تمامی راویان این سه حدیث، در کتاب‌های رجالی تصریح شده است، تنها در حدیث اول حسن بن
علی بن ابی حمزه وجود دارد که عموماً او را به دلیل این‌که از سران واقفه بوده، تضعیف می‌کنند. حدیث دوم از
کتاب مختصر اثبات الرجعة منسوب به فضل بن شاذان است. روایت سوم را شیخ طوسی در کتاب الغيبة بدون



۱۱۹. بررسی روایات مدت حکومت امام مهدی علیه السلام
۱۲۰. بررسی روایات محل حکومت امام مهدی علیه السلام
۱۲۱. سیره فردی امام مهدی علیه السلام قبل و بعد از ظهور؛
۱۲۲. سیره مهدوی و سیره نبوی؛
۱۲۳. سیره مهدوی و سیره علوی؛
۱۲۴. توبه پذیری امام مهدی علیه السلام؛
۱۲۵. عدالت و قسط مهدوی (مفهوم، حقیقت، ابعاد، شاخصه‌ها و...)
۱۲۶. دین در عصر ظهور؛
۱۲۷. دین جدید یا امر جدید و مراد از آن؛
۱۲۸. کتاب جدید و مراد از آن؛
۱۲۹. قضاوت جدید و مراد از آن؛
۱۳۰. سنت جدید و مراد از آن؛
۱۳۱. سلطان جدید و مراد از آن؛
۱۳۲. تکامل عقل در عصر ظهور؛
۱۳۳. تکامل علم در عصر ظهور؛
۱۳۴. فناوری در عصر مهدوی از منظر روایات؛
۱۳۵. شهادت یا رحلت امام مهدی علیه السلام؛
۱۳۶. جانشینان امام مهدی علیه السلام؛
۱۳۷. تداوم حکومت اسلامی تا قیامت یا فساد جامعه پیش از قیامت؛
۱۳۸. سرانجام شیطان در عصر ظهور؛
۱۳۹. ارتباط روایات «اشراط الساعه» و مهدی علیه السلام
۱۴۰. آخرالزمان از دیدگاه روایات؛
۱۴۱. پایان دنیا از منظر روایات؛
۱۴۲. شناخت عوامل مؤثر در پیدایش احادیث ساختگی در موضوع مهدویت و جریان‌های حدیث‌ساز؛
۱۴۳. مبانی نقد و فقه الحدیث روایات مهدویت؛
۱۴۴. روایات صحیح مهدوی - روایات اهل سنت؛
۱۴۵. دیدگاه اهل سنت در مورد امام مهدی علیه السلام و دلایل آن؛

واسطه از فضل بن شاذان روایت می‌کند. به احتمال قوی منبعی که در اختیار شیخ طوسی بوده و این روایت را از آن نقل کرده کتاب اثبات الرجعة فضل بن شاذان است. همچنان که این روایت با همین سند در مختصر اثبات الرجعة نیز وجود دارد. از سوی دیگر، شیخ طوسی در فهرست خود پس از اشاره به حدود سی کتاب از مصنفات فضل بن شاذان - که یکی از آنها اثبات الرجعة است - و تذکر این نکته که وی کتاب‌های دیگری نیز دارد که اسم آنها معلوم نیست، برای خود دو طریق به روایات و کتاب‌های فضل بن شاذان نقل می‌کند که یکی از آنها طریق صحیحی است. شیخ طوسی پس از ذکر مصنفات فضل بن شاذان می‌نویسد: «ابوعبدالله مفید [شیخ مفید] از محمد بن علی بن حسین بن بابویه [شیخ صدوق] از محمد بن حسن ^{۶۲} از احمد بن ادریس ^{۶۳} از علی بن محمد بن قتیبه ^{۶۴} از فضل بن شاذان، ^{۶۵} از روایات و کتاب‌های فضل بن شاذان به من خبر داد.» ^{۶۶}

افراد یاد شده که در طریق شیخ طوسی به کتاب‌های فضل بن شاذان قرار دارند، همگی ثقه و مورد اطمینان هستند. بر این اساس، روایت سوم از نظر سندی معتبر و اعتمادپذیر خواهد بود.

به هر تقدیر، از مجموعه روایات یاد شده تلاقی قیام یمانی و سفیانی و همچنین هم زمانی دقیق آغاز حرکت یمانی و سفیانی و خراسانی نیز اثبات می‌پذیرد. در این صورت قیام یمانی در ماه رجب آغاز خواهد شد، زیرا امام صادق علیه السلام در حدیث معتبری فرموده‌اند:

إن امر السفیانی من الأمر المحتوم و خروجه فی رجب؛
حرکت سفیانی از نشانه‌های حتمی است و در ماه رجب روی خواهد داد.

البته محمد بن مسلم بدون این که کلام خود را به معصوم علیه السلام نسبت دهد، چنین گفته است:

یخرج قبل السفیانی مصری و یمانی؛
پیش از سفیانی مصری و یمانی خروج می‌کنند.

در این روایت قیام یمانی پیش از قیام سفیانی دانسته شده است و این مطلب با آن چه پیش‌تر آمد، در تعارض است.

صرف نظر از این که این کلام از معصوم صادر نشده و قابلیت تعارض با روایات پیشین را ندارد، برای حل تعارض ظاهری این روایت با روایاتی که قیام سفیانی و یمانی را همزمان می‌دانستند، راه حل‌های مختلفی می‌توان ارائه داد، از جمله:

۱. یمانی مذکور در روایت محمد بن مسلم غیر از یمانی معروف است، زیرا در تمام روایات از شخصیت مورد نظر با عنوان «الیمانی» یاد شده، اما در این روایت از یمانی، به صورت نکره، یاد شده است. بنابراین، چه بسا پیش از قیام سفیانی یک شخصیت یمنی خروج کند، اما جنبش یمانی معروف همزمان با جنبش سفیانی باشد.
۲. قیام یمانی و سفیانی در یک سال و یک ماه و یک روز، کنایه از شدت پیوستگی این دو رخداد است و این امر منافاتی با وجود

۱۴۶. دلایل منکرین مهدویت در اهل سنت؛

۱۴۸. بررسی حدیث لامهدی الایسی؛

۱۴۹. مهدی شخصی یا نوعی در روایات

اهل سنت؛

۱۵۰. بررسی نسب امام مهدی علیه السلام در روایات

اهل سنت؛

۱۵۱. بررسی و تحلیل حدیث اسمہ اسمی و اسم

ابیه اسم ابی؛

۱۵۲. ویژگی‌های ظاهری امام مهدی علیه السلام در

روایات اهل سنت؛

۱۵۳. نشانه‌های ظهور در روایات اهل سنت؛

۱۵۴. تعیین وقت ظهور از منظر روایات

اهل سنت؛

۱۵۵. سیر حوادث ظهور در روایات اهل سنت؛

۱۵۶. هدف قیام امام مهدی علیه السلام از منظر روایات

اهل سنت؛

۱۵۷. راه‌های شناخت امام مهدی علیه السلام از مدعیان

مهدویت از منظر روایات اهل سنت؛

۱۵۸. ابدال، اوتاد و نجبا در روایات اهل سنت؛

۱۵۹. یاران امام مهدی علیه السلام در روایات

اهل سنت؛

۱۶۰. رجعت از منظر اهل سنت؛

۱۶۱. ارتباط امام مهدی علیه السلام و حضرت

عیسی علیه السلام در روایات اهل سنت؛

۱۶۲. ارتباط دجال و حضرت عیسی علیه السلام در

روایات اهل سنت؛

۱۶۳. سیره امام مهدی علیه السلام در روایات

اهل سنت؛

۱۶۴. بررسی کشتارهای هنگام قیام از منظر

روایات اهل سنت؛

۱۶۵. بررسی فتوحات امام مهدی علیه السلام در روایات

اهل سنت؛

۱۶۶. حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام در روایات

اهل سنت؛

۱۶۷. شهادت یا رحلت امام مهدی علیه السلام در

روایات اهل سنت؛

۱۶۸. جانشینان امام مهدی علیه السلام در روایات

اهل سنت؛

خروج می‌کند و عیسی علیه السلام از آسمان فرود می‌آید.

در این روایت پیش از ذکر خروج قحطانی به قیام مهدی اشاره شده است، اما به قرینه خروج دجال و نزول عیسی علیه السلام مهدی پس از قحطانی همان امام مهدی علیه السلام است.

دسته سوم روایات اهل سنت، قیام قحطانی را همزمان با امام مهدی علیه السلام می‌داند، از جمله از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده:

ما القحطانی بدون المهدی
قحطانی بدون مهدی نخواهد بود.

بدون مهدی نبودن قحطانی ظهور در همزمانی حیات این دو شخصیت دارد. نیز از ارطاة چنین نقل شده است:

على يد ذلك الخليفة اليماني الذي تفتح المنسططمة وروسة على
يديه يخرج الدجال في زمانه و ينزل عيسى بن مريم في زمانه
خروج دجال و نزول عیسی علیه السلام در زمان آن فرمان‌روای یمانی است
که استانبول و روم به دست او فتح می‌شود.

این روایت به دلیل روایات متعددی که بر نزول حضرت عیسی علیه السلام در زمان امام مهدی علیه السلام دلالت دارند، از همزمانی خروج قحطانی و امام مهدی علیه السلام حکایت دارد. دسته چهارم روایات اهل سنت نیز بر اتحاد قحطانی و امام مهدی علیه السلام دلالت دارند. از ابن سیرین چنین روایت شده است:

القحطانی رجل صالح و اسو الی یحلی خنفة عیسی و اسو
المهدی
قحطانی مرد نیکوکاری است. او همان کسی است که عیسی علیه السلام
پشت سرش نماز می‌گذارد. او همان مهدی است.

علاوه بر این که عمده این روایات از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل نشده‌اند، به لحاظ ضعف سند نیز برای ما حجت نیستند و آنچه امر را سهل می‌کند، وجود روایات اهل بیت علیهم السلام است که قیام قحطانی را از علائم ظهور و پیش از آن دانسته‌اند و این روایات معیاری برای انتخاب و گزینش روایات اهل سنت‌اند.

مکان قیام یمانی

روایات متعددی، مکان قیام یمانی و محل پیدایش جنبش او را یمن دانسته‌اند که عبارت‌اند از:

امام باقر علیه السلام در پاسخ این سؤال که قائم شما چه زمانی قیام می‌کنند، فرمودند:

... و خروج السفینی من الشام و الیمانی من الیمین و هکذا
...
... هنگام خروج سفینی از شام و خروج یمانی از یمن و فرو رفتن [سپاه
سفینی] در سرزمین بیداء.

از امام صادق علیه السلام نیز چنین روایت شده:

... و خروج الیمانی من الیمین و الیمانی من الیمین و هکذا
...
... هنگام خروج سفینی از شام و خروج یمانی از یمن و فرو رفتن [سپاه
سفینی] در سرزمین بیداء.

... هنگام خروج سفیانی از شام و خروج یمانی از یمن و فرو رفتن در سرزمین بیداء.

آن حضرت در حدیث دیگری فرموده‌اند:

و خروج الیمانی من الیمن مع الرايات البيض:^{۷۶}
قیام یمانی از یمن همراه با پرچم‌های سفید خواهد بود.

در کتاب کمال‌الدین به تصحیح مرحوم غفاری نیز حدیثی از امام باقر علیه السلام به این صورت نقل شده است:

... و إن من علامات خروجه خروج السقیانی من النمام و خروج الیمانی [من الیمن] و
مناد ینادی من السماء:^{۷۷}

... و از نشانه‌های خروج امام مهدی علیه السلام خروج سفیانی از شام و خروج یمانی [از یمن] و ندا
دهنده‌ای است که از آسمان ندا می‌دهد.

روایت دیگری که احتمالاً مضمون یاد شده را تأیید می‌کند، این حدیث امام باقر علیه السلام است:

... و خروج رجل من ولد عمی زید بالیمن:^{۷۸}
و قیام مردی از خاندان عمویم زید در یمن.

آن حضرت در حدیث دیگری فرموده‌اند:

... نم یسیر الیریم منصور الیمانی من صنعاء بخنوز:^{۷۹}
... سپس منصور یمانی همراه سپاهیان به سوی آنها روانه می‌شود.

در هفتمین روایت، محل قیام شخصی که چشمان سفیانی را از کاسه در می‌آورد، صنعا معرفی شده است. از
امام صادق علیه السلام روایت شده است:

أنی یخرج ذلک و یتایخرج کاسه عینیة بصنعاء:^{۸۰}
کجا و چگونه سفیانی خروج می‌کند در صورتی که آن کس که چشم او را از کاسه در می‌آورد،
هنوز از صنعا خروج نکرده است.

همان‌طور که گذشت، شخصیت یاد شده به قرینه سایر روایاتی که از هم‌زمانی و درگیری یمانی با سفیانی یاد
کرده‌اند، همان یمانی است. علاوه بر آن، برای تأیید این موضوع می‌توان از روایاتی که در منابع اهل سنت آمده
و به خروج قحطانی از یمن تصریح کرده است نیز بهره برد.

برخی از نویسندگان بر این باورند که واژه «یمانی» به تنهایی علاوه بر دلالت بر انتساب این شخصیت به
یمن، بر آغاز جنبش او از یمن نیز دلالت می‌کند. لذا هم‌چنان که بر اساس متفاهم عرفی قیام خراسانی به معنای
قیام شخصی خراسانی از خراسان است، قیام یمانی نیز به معنای قیام مردی یمانی از یمن است.^{۸۱} به تعبیر دیگر،
اطلاق واژه یمانی به شخصیت مورد نظر صرفاً بیان تابعیت او نیست بلکه محل قیام او نیز هست. بر این اساس،
از تمامی روایاتی که بر قیام یمانی دلالت داشتند، می‌توان به شروع قیام از یمن نیز پی برد.



یمانی درفش هدایت

با بررسی روایات نشانه‌های ظهور، به سادگی می‌توان این نکته را برگرفت که در میان شخصیت‌های عصر پایانی غیبت نام دو شخصیت وجود دارد که هر دو پرچم‌دار تحولات وسیع اجتماعی‌اند. این دو شخصیت که در دو قطب مخالف با یکدیگر قرار دارند و یکی پرچم‌دار هدایت و فضیلت و دیگری پرچم‌دار انحراف و تباهی است، یمانی و سفیانی نام دارند؛ سفیانی مدیریت جریان انحطاط را بر عهده دارد و یمانی فرماندهی جریان فضیلت محور را. ابعاد مختلف شخصیت منفی سفیانی و حوادث مربوط به او را در جای خود باید جست‌وجو کرد. مثبت بودن شخصیت یمانی تاکنون به اثبات رسیده، اما بجاست به لحاظ اهمیت این موضوع در بخش مستقلی به آن پرداخته شود.

امام باقر علیه السلام در این باره فرموده‌اند:

... و ليس في الرايات راية اُخرى من راية اليماني لسي راية اُخرى
لأنه يدعو الي صاحبكم

در میان پرچم‌ها پرچمی هدایت یافته‌تر از پرچم یمانی نیست او پرچم هدایت است، زیرا به سوی صاحب شما دعوت می‌کند.

از امام صادق علیه السلام نیز در حدیث معتبری چنین روایت شده:

فليس قبيرا راية بالمدى من راية اليماني سيري لسي اليماني
در میان پرچم‌ها پرچمی هدایت یافته‌تر از پرچم یمانی نیست، او به حق دعوت می‌کند.

در روایت دیگری هشام بن سالم می‌گوید: چون طالب حق، قیام کرد به امام صادق علیه السلام عرض شد ما امیدواریم این شخص همان یمانی باشد. آن حضرت فرمودند:

لست اليماني سوانني علما و علماء و علماء و علماء و علماء و علماء و علماء
خير، یمانی از محبان علی علیه السلام است ولی این شخص از علی علیه السلام برائت می‌جوید.

امام صادق علیه السلام در روایت دیگری فرموده‌اند:

... ثم يفرض الملك بائنه سوسر و دورر سعة و سعة و سعة و سعة و سعة و سعة
همانی یسوسنی... در افسوس و در حیرتانی این امر چه حد است...
یمانی زمام‌داری را به فرزندش سعید می‌سپارد و در مکه به انتظار ظهور قائم ما اقامت می‌گزیند تا این که رحلت می‌کند... او و فرزندش به دعای قائم ما به دنیا باز خواهند گشت.

اصبغ بن نباته نیز از امام علی علیه السلام در خصوص شخصیت اصلاح‌گر یمانی چنین روایت می‌کند:

... ثم يفرض الملك بائنه سوسر و دورر سعة و سعة و سعة و سعة و سعة و سعة
همانی یسوسنی... در افسوس و در حیرتانی این امر چه حد است...
یمانی زمام‌داری را به فرزندش سعید می‌سپارد و در مکه به انتظار ظهور قائم ما اقامت می‌گزیند تا این که رحلت می‌کند... او و فرزندش به دعای قائم ما به دنیا باز خواهند گشت.

۱۶۹. سرانجام شیطان در روایات اهل سنت؛
۱۷۰. تداوم حکومت اسلامی یا فساد جامعه پیش از قیامت؛
۱۷۱. ارتباط روایات اشراط الساعة و امام مهدی علیه السلام؛
۱۷۲. پایان جهان در روایات اهل سنت؛
۱۷۳. بررسی وجوه شباهت و تفاوت دیدگاه شیعه و اهل سنت درباره امام مهدی علیه السلام.

بایسته‌های پژوهشی

۱. مهدی باوری امامیه
الف) مبانی مهدی باوری؛
- در احادیث عام؛
- در احادیث خاص؛
- بررسی روایاتی که حکم به کفر شک‌کننده در امام مهدی علیه السلام کرده است.
ب) پیشینه مهدی باوری در روایات؛
ج) آثار مهدی باوری؛
- آثار فردی مهدی باوری از دیدگاه روایات؛
- آثار اجتماعی مهدی باوری از دیدگاه روایات.
۲. مهدی شخصی یا نوعی
د) ولادت و نسب امام مهدی علیه السلام؛
الف) نسب امام؛
- عباسی یا فاطمی؛
- حسنی یا حسینی.
ب) نام و القاب؛
- حرمت تسمیه؛
- القاب و علت آنها؛
- علت قیام هنگام شنیدن لفظ قائم.
ج) ویژگی‌های ظاهری امام مهدی علیه السلام از دیدگاه روایات
د) ویژگی‌های امام مهدی علیه السلام نسبت به دیگر معصومان علیهم السلام؛
ه) شباهت‌های امام مهدی علیه السلام با اولیا و انبیای الهی
۳. امامت امام مهدی علیه السلام

... در این هنگام سپاه یمانی و خراسانی نمایان می‌شوند. آنها سوار بر اسب تیرهایی محکم به دست در حالی که ژولیده موی، غبارآلود و قوی دل‌اند، مانند دو اسب مسابقه، بر یکدیگر پیشی می‌گیرند. چون به پاهای خود نگاه کنند، می‌گویند بعد از امروز خیری در نشستن ما نیست. بار خدایا ما به درگاه تو توبه می‌کنیم و اینها همان ابدالی هستند که خداوند در کتاب عزیزش آنها را چنین توصیف کرده است: «خداوند توبه‌کاران و پاکیزگان را دوست می‌دارد».

تعبیراتی چون: «هی رایة الهدی»، «تهدی الی الحق»، «الیمانی یتوالی علیاً»، «هم الابدال و یرجعان الی الدنیا بدعاء قائمنا»، به وضوح بر شخصیت مثبت یمانی دلالت دارند.

در روایات اهل سنت هم از یمانی به نیکی یاد شده است که می‌توان به این موارد اشاره کرد: چون گروهی از اهل یمن بر پیامبر ﷺ وارد شدند، آن حضرت فرمودند:

قَوْمٌ رَقِيقَةٌ قُلُوبُهُمْ رَاحٌ اِبْهَامِهِمْ وَ مَرْسَمُ الْمَنْصُورِ يَخْرُجُ فِي سَبْعِينَ الْفَأْتِنَصْرُ خَلْفِي وَ خَلِيفَ وَصِيي:

اهل یمن قلب‌هایی رقیق و ایمان‌هایی استوار دارند. منصور که با هفتاد هزار نفر قیام می‌کند و جانشین من و جانشین وصی مرا یاری می‌دهد از آنهاست.

آن حضرت در حدیث دیگری چنین فرموده‌اند:

يَكُونُ بَعْدَ الْجَبَابِرَةِ رَجُلٌ مِنَ الْاَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْاَرْضَ عَدْلًا نَهْمُ الْقِحْطَانِي عِنْدَهُ وَالذِي بَعَثَنِي بِالْاَصْحَى مَا لَمْ يَرَوْهُ:

پس از ستم‌گران مردی از خاندان من خواهد بود که زمین را از عدل سرشار می‌کند و پس از او قحطانی خواهد بود. سوگند به آن‌که مرا به حق برانگیخت، او از نظر مقام و منزلت از مهدی ﷺ کمتر نیست.

از کعب نیز چنین روایت شده است:

يَكُونُ بَعْدَ الْمُرَدِيِّ خَلِيفَةً مِنَ الْاَهْلِ الْبَيْتِ مِنْ قِحْطَانَ اَخِي الْمُرَدِيِّ فِي رَيْبِهِ يَمَلُ بِعَمَلِهِ:

پس از مهدی فرمان‌روایی از اهل یمن از قحطان خواهد بود. او برادر مهدی در دین است و هم‌چون او رفتار می‌کند.

ارطاة نیز در این باره چنین می‌گوید:

... نَهْمُ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ قِحْطَانَ ... عَلِيٌّ سَيَرَةَ الْمُرَدِيِّ:

... سپس مردی از قحطان قیام می‌کند... او طبق روش مهدی عمل می‌کند.

با توجه به مجموعه روایات یاد شده، در مثبت بودن شخصیت یمانی و نیز اصلاحی بودن جنبش وی نمی‌توان تردید کرد. تذکر این نکته ضروری است که در دو روایت اول (روایت امام باقر عليه السلام و امام صادق عليه السلام) پس از بیان قیام سفیانی، یمانی و خراسانی، پرچم یمانی هدایت یافته‌تر شمرده شده است. وصف هدایت یافته‌تر به یقین در قیاس یمانی با سفیانی نیست، زیرا به دلیل روایات متواتر، سفیانی شخصیتی منحرف است. بر این اساس، هدایت یافته‌تر بودن یمانی در قیاس با خراسانی خواهد بود. بر مثبت بودن شخصیت خراسانی علاوه بر این دو حدیث که پرچم او را پرچم هدایت معرفی کرده‌اند، می‌توان به روایت معتبر امام باقر عليه السلام نیز استدلال کرد. آن حضرت در این حدیث پس از بیان قتل و غارت کوفیان توسط سپاه سفیانی فرموده‌اند:

فَبَيْنَمَا نَحْمُ كَذَلِكَ اِذْ اَقْبَلَتْ رَايَاتٌ مِنْ قِبَلِ خِرَاسَانَ وَ نَحْوَى الْمَنَازِلِ طَيِّبًا حَسِينًا وَ مَعْرُومًا نَفَرًا مِنْ اَسْحَابِ الْقَائِمِ:

در حالی که سپاه سفیانی مشغول قتل و غارت اهل کوفه است، به ناگاه پرچم‌هایی از سوی خراسان روی می‌آورند که به سرعت و شتابان منازل را می‌پیمایند. در میان آنان تعدادی از



الف) دلایل روایی عام؛
ب) دلایل روایی خاص.

۴. غیبت:

الف) مفهوم غیبت از منظر روایات؛

ب) پیشینه غیبت؛

ج) دلایل غیبت؛

د) انواع غیبت:

- صغرا

- کبرا (زندگی امام در غیبت کبرا، ویژگی های

عصر غیبت از منظر روایات - فتنه ها و ...،

آسیب شناسی جامعه منتظر از منظر روایات،

راه های برون رفت از فتنه های آخر الزمان،

قیام های پیش از ظهور، ارتباط با امام (معنوی،

در خواب، بیداری)، وظایف شیعه (انتظار و

سایر وظایف)، دعا های عصر غیبت، جلوه های

محبت امام به مردم از منظر روایات، حقوق امام

مهدی بر مردم، فوائد امام غایب از منظر روایات

و عرضه اعمال بر امام مهدی (علیه السلام).

۵. علایم و زمینه های ظهور:

الف - مفهوم و تفاوت علایم و شرایط؛

ب - فواید و آثار علایم؛

ج - علایم ظهور و اشراف الساعه؛

د - تقسیم بندی علایم:

- انواع تقسیم بندی:

۱. طبیعی و غیر طبیعی؛

۲. گذشته و آینده؛

۳. حتمی و غیر حتمی؛

الف) حتمی:

۱. سفیانی؛

۲. صیحه آسمانی؛

۳. نفس زکیه؛

۴. خسف بیداء؛

۵. و ...

ب) غیر حتمی:

۱. یمانی

۲. دجال؛

۳. بلاهای طبیعی؛

۴. شیوع فساد؛

اصحاب امام مهدی (علیه السلام) نیز حضور دارند.

حضور اصحاب امام مهدی (علیه السلام) در میان سپاه خراسانی بهترین دلیل بر فضیلت محور بودن قیام خراسانی است، اما این سؤال وجود خواهد داشت که چرا پرچم یمانی در مقایسه با پرچم خراسانی هدایت یافته تر است؟ پاسخ های مختلفی به این سؤال داده شده است، از جمله یکی از نویسندگان در این باره می نویسد:

۱. ممکن است انقلاب یمانی از این رو هدایت بخش تر به شمار آید که سیاست اجرایی آن قاطع باشد و نیروهای مخلص و مطیع در اختیار داشته باشد و پیوسته رسیدگی شدید نسبت به آنها کند... در حالی که ایرانیان بر اساس چنین سیاستی عمل نمی کنند، مسئول مقصر یا خیانت کار به مصالح مسلمانان را در ملأ عام جهت عبرت دیگران مجازات نمی کنند، زیرا می ترسند این عمل باعث تضعیف دولت اسلامی که مظهر موجودیت اسلام است گردد.

۲. احتمال دارد درفش یمانی از این جهت هدایت کننده تر باشد که در ارائه طرح جهانی اسلام رعایت عناوین ثانوی فراوان و ارزیابی ها و مفاهیم کنونی (و مقررات بین المللی) را نمی کند، در حالی که انقلاب اسلامی ایران معتقد و ملتزم به رعایت آنهاست.

۳. آن چه به عنوان دلیل اساسی پسندیده می نماید این است که انقلاب یمانی اگر هدایت گری بیشتری دارد، به این دلیل است که مستقیماً از رهنمودهای حضرت مهدی (علیه السلام) برخوردار می گردد و جزو جدایی ناپذیر قلمرو و طرح نهضت آن حضرت به شمار می آید. هم چنین یمانی به دیدار آن حضرت نائل می شود و کسب شناخت و رهنمود می کند. اما در روایات انقلاب زمینه ساز ایرانیان بیش از ستایش رهبران آن، ستایش از عموم گردیده است.^{۹۵}

یکی از فضلاء معاصر به سؤال پیشین این گونه پاسخ داده است:

۴. دلیل این مطلب به قرینه روایات دیگر، این است که در میان سپاه خراسانی کسانی حضور دارند که معتقدند منصب امامت به نصب الهی نیست، بلکه این جایگاه برای کسی است که علناً سرپرستی امور مسلمین را به عهده بگیرد و در مسیر اصلاح آن بکوشد. این اندیشه در اصلاح روایات، اندیشه زیدی خوانده می شود. البته مقصود از واژه زیدی فرقه زیدیه نیست، بلکه معنای وصفی آن مراد است؛ یعنی کسانی که به اختصاص امامت به کسی که علناً سرپرستی مسلمین را به عهده بگیرد، اعتقاد دارند. به تعبیر دیگر، حسنی و خراسانی مبنای امامت را عهده داری علنی امور و پرداختن به اصلاح آن می دانند، در حالی که یمانی اساس امامت را نص الهی بر امامان دوازده گانه و آخرین آنها امام مهدی (علیه السلام) می داند.^{۹۶}

فرضیه اول و دوم بر اساس تطبیق قیام خراسانی بر انقلاب اسلامی ایران و با توجه به شرایط فعلی نظام اسلامی ایران است. صرف نظر

از مناقشاتی که در قضاوت‌های یاد شده درباره نظام اسلامی ایران وجود دارد، تطبیق جنبش خراسانی بر انقلاب اسلامی ایران قطعی نیست، و از این رو، نمی‌توان آن را مبنای تفسیر و توضیح روایات قرار داد.

فرضیه سوم و چهارم، فرضیه‌هایی هستند که برای اثبات آنها راهی جز استناد به روایات نیست، در حالی که روایات این موضوع، خالی از هر گونه اشاره به ارتباط ویژهٔ یمانی با امام مهدی علیه السلام و یا وجود رگه‌های اندیشهٔ زیدی در میان سپاه خراسانی است.

نویسندهٔ دیگری در پاسخ به سؤال پیشین می‌نویسد:

۵. میان این دو جریان که به سوی امام مهدی علیه السلام دعوت می‌کنند، تفاوت آشکاری وجود دارد. اولی که جنبش اصلاحی یمانی است، در حالی که از هر گونه شائبهٔ سیاسی پیراسته است، به حق دعوت می‌کند. بنابراین، درفش هدایت و صلاح است، زیرا به شکل مستقیم و بر اساس اصلاح خواهی عقیدتی مردم را به سوی امام مهدی علیه السلام فرا می‌خواند. اما دیگری (درفش جوان خراسانی) آرمانی است که به مکتب اهل بیت، به شکل سیاسی - رقابتی دعوت می‌کند. این بدان معنا است که شاید خراسانی مردم را مستقیماً به سوی خود دعوت می‌کند، اما دعوت به خود را دعوت به سوی مکتب اهل بیت علیهم السلام می‌شمارد و نصرت خود را نصرت آنها می‌داند، در حالی که یمانی بدون این که مردم را به سوی خود یا دیگری بخواند بر دعوت به سوی امام مهدی علیه السلام پای می‌فشارد. به تعبیر دیگر، انگیزهٔ یمانی تنها یاری کردن امام مهدی علیه السلام است، بدون ملاحظات دیگری که به شکل غیر مستقیم به یاری کردن امام علیه السلام بینجامد.^{۹۷}

۶. به تحلیل‌های پیشین می‌توان این تحلیل را افزود که اصولاً قیام‌های اصلاح طلبانه و جنبش‌های ارزشی در آغاز از نظر پای‌بندی به ارزش‌ها و آرمان‌ها در اوج هستند، اما با به بار نشستن انقلاب و فاصله گرفتن مسئولان و تودهٔ مردم از شور و هیجان حاکم بر فضای دوران انقلاب از یک سو و دست‌رسی مهره‌های انقلاب به پست‌های حساس و کلیدی و در نتیجه سرازیر شدن امکانات مادی به سوی مدیران انقلابی از سوی دیگر و نفوذ نیروهای ناخالص در بدنه مدیریت انقلاب از دیگر سو، با گذر زمان اصول و آرمان‌های انقلاب در میان بخشی از مردم و شماری از مدیران انقلابی کمرنگ‌تر می‌شود. بنابراین، دلیل ضعف جنبش خراسانی در امر هدایت را می‌توان گذر زمان و طولانی بودن عمر انقلاب و عوارض ناشی از آن دانست. اما جنبش یمانی از آن‌جا که نزدیک ظهور شکل می‌گیرد و تا زمان ظهور فاصلهٔ اندکی بیش ندارد، از لحاظ پای‌بندی به آرمان‌ها طولانی‌ترین دوران خود را طی می‌کند. به همین دلیل، در مقایسه با قیام خراسانی هدایت‌یافته‌تر خوانده شده است.

در پاسخ به این مطلب که در روایتی که بر هدایت‌یافته‌تر بودن قیام یمانی دلالت داشتند، قیام خراسانی و یمانی هم‌زمان دانسته شده است، پس عمر جنبش خراسانی را نمی‌توان طولانی‌تر از یمانی دانست، باید گفت: با توجه به سایر روایاتی که به وضعیت ایران پیش از ظهور پرداخته‌اند، به نظر می‌رسد قیام خراسانی یک حلقه از حلقه‌های مختلف جنبش ایرانیان است، نه این که لزوماً قیام آنها با خراسانی آغاز شود، اما در روایات برای قیام یمانی پیشینه‌ای ذکر نشده است.

نکتهٔ آخری که از روایات پیشین به دست می‌آید، وجوب اعانت و همراهی با یمانی است. امام باقر علیه السلام در ادامه روایت قبلی فرموده‌اند:

و إذا خرج الیمانی فانیض إلیه فإن رایته رأیة لصری ولایحل لمسلم أن یلتوی علیه فمن فعل ذلك فهو من أهل النار لانه یرعو الی الحوی و الی طریق مستقیم^{۹۸}
چون یمانی خروج کرد به سوی او بشتاب، زیرا پرچم او پرچم هدایت است و بر هیچ مسلمانی



جایز نیست که با او مقابله نماید. پس هر کس چنین کند، او اهل آتش خواهد بود، زیرا او به حق و راه مستقیم فرامی خواند.

مطلب یادشده گرچه تنها در یک روایت آمده است، اما از آنجا که روایات متعددی بر شخصیت مثبت و اصلاح طلبانه جنبش او دلالت داشتند، لزوم همکاری و مساعدت او بر اساس موازین دینی ثابت می شود و اثبات آن نیاز به روایت مستقلی ندارد. البته به نظر می رسد، جانبداری و حمایت از یمانی که وظیفه همه مؤمنان است، لزوماً به معنای پیوستن به یمانی و حضور در میان سپاهیان وی نیست، زیرا در روایات متعددی به مؤمنان سفارش شده است تا هنگام قیام سفیانی که با قیام یمانی هم زمان است، برای یاری امام مهدی عج به سوی مکه بشتابند، از جمله امام باقر ع در روایت معتبری فرموده اند:

كفى بالسفیانی نعمة لكم من عدوكم ... من أراد منسرح ان یخرج یخرج الی المدینة او الی مكة اوانی بعض البلدان ثم قال: ما تصنمون بالمدينة و انما یقتصر جيش القاسم الیرسا و لكن علیکم بركة فارسا معکم!

سفیانی برای عذاب دشمنان شما بس است... شیعیانی که می خواهند از دست سفیانی بگریزند، به مدینه یا مکه یا دیگر شهرها بروند. سپس فرمودند: به مدینه نروید، زیرا سپاه مرد فاسق (سفیانی) به آنجا حمله خواهد کرد، بلکه بر شما باد مکه، زیرا آنجا محل اجتماع شماست.

امام صادق ع نیز در حدیث معتبری فرمودند:

یا سدید الزم بینک و کن مسلماً من اهل البیت و اسکن ما سکن اللیل والنهار فإذا بلغك أن السفیانی قد خرج فارحل البیت و لو علی رحلتك:

ای سدید از خانهات بیرون نیا و چون گلیمی از گلیم های خانه باش و ناشب و روز آرام است تو نیز ساکت باش، همین که خبر قیام سفیانی به تو رسید، به سمت ماکوچ کن، گرچه با پای پیاده باشی.

بر این اساس، حمایت مادی و معنوی و تقویت و تأیید حرکت یمانی وظیفه همه مؤمنان است، لیکن پیوستن به یمانی را نمی توان وظیفه همه مؤمنان دانست، بلکه «این مسئولیت بر عهده کسانی است که در مناطقی حضور دارند که حوزه فعالیت یمانی است». ^{۱۱} و البته از آنجا که اگر یمانی زمان ظهور را درک کند او نیز برای یاری امام مهدی عج به سمت مکه خواهد شتافت، مؤمنانی که در مناطق تحت نفوذ او حضور دارند، با پیوستن به یمانی و حرکت دسته جمعی برای یاری امام مهدی عج در مکه معظمه، هم وظیفه حرکت به سمت مکه برای یاری امام ع را انجام داده اند و هم مسئولیت حمایت از یمانی را.

۵. یاجوج و ماجوج؛

۶. سید حسنی؛

۷. کف آسمانی؛

۸. خراسانی؛

۹. شعیب بن صالح؛

۱۰. پرچم های سیاه و...؛

۱۱. طلوع خورشید از مغرب؛

۱۲. ظهور علم در قم؛

۱۳. و... .

- علت تقسیم بندی علایم به حتمی و

غیر حتمی؛

- بدا و علایم حتمی؛

- نمادین یا حقیقی بودن علایم ظهور.

ها) زمینه های ظهور

- معجزه آسا یا عادی بودن قیام امام

مهدی عج

- حصولی یا تحصیلی بودن ظهور.

- مقدمات برپایی حکومت جهانی؛

۱. رهبر؛

۲. برنامه؛

۳. یاران (ویژگی ها، تعداد، ملیت، زنان،

جوانان و نقش ایرانیان در ظهور)؛

۴. آمادگی عمومی.

- موانع ظهور.

- راه های تعجیل ظهور.

۶. جهان در آستانه ظهور؛

الف) وضعیت فرهنگی؛

ب) وضعیت دینی؛

ج) جنگ ها و کشتارها؛

د) وضعیت سرزمین ها (شام، عراق، حجاز

و ایران).

۷. ظهور؛

الف) مفهوم و اقسام فرج و نسبت آن با

ظهور.

ب) تفاوت یا اتحاد ظهور و قیام؛

ج) مکان ظهور؛

د) زمان ظهور؛

- روز ظهور شبیه یا جمعه؛

سیر حرکت یمانی

سیر حرکت یمانی و فعالیت‌های او به صورت دقیق در روایات مربوط، منعکس نشده است. البته احتمال دارد که جزئیات این مسئله در کلمات پیشوایان معصوم بیان شده باشد، اما به دست ما نرسیده است. اما اگر محدود بودن روایات این موضوع، از نپرداختن پیشوایان دینی به آن سرچشمه می‌گیرد، احتمالاً این پنهان کاری، عمدی و به منظور پیش‌گیری از برنامه‌ریزی قبلی دشمنان برای مقابله با جنبش یمانی بوده است. از این‌رو، پیشوایان معصوم علیهم‌السلام کوشیده‌اند تا علاوه بر بیان اصل حادثه قیام یمانی - که کارکردهایی چون دلالت بر نزدیک بودن ظهور، ایجاد آمادگی در مؤمنان برای همراهی با یمانی و ... دارد، از بیان جزئیات این رخداد مهم خودداری نمایند.

در عین حال، در روایات محدودی که البته به جز چند مورد در منابع اهل سنت آمده و گاه سند آن به معصوم نیز نمی‌رسد، و به همین دلیل اعتمادپذیر نیستند، به چند بخش از این واقعه اشاره شده است، از جمله:

۱. درگیری با سفیانی:

عبید بن زراره می‌گوید: در محضر امام صادق علیه‌السلام از سفیانی سخن به میان آمد، آن حضرت فرمودند:

أنى يخرج ذلك و لا يخرج كاسر عينيه بصنعا:

کجا و چگونه خروج می‌کند در صورتی که آن کس که چشم او را از کاسه در می‌آورد، هنوز از صنعا خروج نکرده است.

از آن حضرت در روایت دیگری چنین نقل شده است:

فینصر البیانی لدفع شره فینصرم السفیانی بعد محاربات عديدة و مقاتلات شديدة فینبیه البیانی فتکثر الضروب و لفریضة السفیانی فیجده البیانی فی سرور اللوم مع ابنته فی الاساری فینظرهما اربا اربا:

پس یمانی برای دفع شر سفیانی پیا خیزد و پس از جنگ‌های فراوان و درگیری‌های سخت سفیانی می‌گریزد. یمانی او را دنبال می‌کند و جنگ‌ها و گریختن سفیانی بسیار شود. پس یمانی، سفیانی و پسرش را نزد رود «لو» در میان اسیران می‌یابد و آنها را تکه تکه می‌کند.

ابن حماد نیز از امام باقر علیه‌السلام روایت کرده است:

اذا ظمّر السفیانی علی الابقع والمنصور البیانی...

چون سفیانی بر ابقع و منصور یمانی پیروز شد...

وی در حدیث دیگری از آن حضرت چنین نقل می‌کند:

ثم یسیر المنصور البیانی من صنعا بجنود... فینتقی لوم و الأوص... فیکون بینهما قتال شریک:

سپس منصور یمانی همراه با سپاهش از صنعا به سوی آنها روانه می‌شود... او با اوص (سفیانی) ملاقات می‌کند... پس میانشان جنگ شدیدی رخ می‌دهد.

در میان چهار روایت یاد شده، دو روایت نخست که به ترتیب از کتاب الغیبة نعمانی و مختصر اثبات الرجعة فضل بن شاذان است، در کارزار میان یمانی و سفیانی، یمانی را پیروز میدان معرفی کرده‌اند، اما دو حدیث دیگر که در کتاب الفتن ابن حماد نقل شده‌اند، سفیانی را به عنوان نیروی غالب یاد کرده‌اند. این تفاوت در قضاوت می‌تواند به این دلیل باشد که هر کدام از این روایات گزارش‌گر درگیری میان سفیانی و یمانی در منطقه‌ای خاص و یا زمانی خاص هستند. البته از دو روایت نخست استفاده می‌شود که یمانی مانعی جدی در برابر زیاده خواهی‌های سفیانی است. به هر تقدیر، به دلیل مناقشات سندی و محتوایی متعددی که در حدیث مختصر اثبات الرجعة



وجود دارد و نیز ضعف سند سایر روایات، این روایات برای ما اعتمادپذیر نیستند، اما با توجه به تقابل شدیدی که میان این دو شخصیت وجود دارد، به اندازه‌ای که هر یک از آنها درصدد شکست دادن جریانی است که دیگری برای حمایت از آن شکل گرفته است، و از سوی دیگر، با توجه به نزدیکی مناطق تحت نفوذ آنها، وجود درگیری میان این دو طبیعی و انکار نمی‌پذیرد؛ گرچه جزئیات آن اثبات‌پذیر نیست.

۲. فتح روم، هند، استانبول...

از ارطاة روایت شده است:

علی یدی ذلك الغلیفة الیمنی و فی ولایتہ تفتح رومیة؛^{۱۰۶}
در زمان حکومت فرمانروایی یمانی، روم به دست او فتح می‌شود.

هم‌چنین روایت شده:

علی یدی ذلك الغلیفة الیمنی الذی تفتح القسطنطنیة و رومیة علی
یدیه بضرع الرجال و فی زمانه ینزل عیسی بن مریم علیه السلام و علی
ینذبه تكون غزوة الهند؛^{۱۰۷}

دجال در زمان آن فرمان‌روای یمانی که استانبول و روم به دست او گشوده می‌شود، خروج می‌کند و جنگ هند را آغاز می‌کند و عیسی علیه السلام در زمان او از آسمان فرود می‌آید.

از کعب نیز چنین نقل شده است:

علی یدی ذلك الیمنی تكون ملحنة علیا؛^{۱۰۸}
حادثه بزرگ عکابه دست آن یمانی رخ خواهد داد.

صرف‌نظر از این که روایات یاد شده از معصوم نیستند و نمی‌توان به آنها اعتماد کرد، به نظر می‌رسد این روایات بر فرض صحت، گزارش‌کننده فعالیت‌های یمانی پس از ظهور امام مهدی علیه السلام هستند، زیرا علاوه بر این که فتح مناطق یادشده در روایات دیگر به امام مهدی علیه السلام نسبت داده شده است،^{۱۰۹} انجام این کار مهم به نیرو و امکانات فراوانی نیاز دارد و التزام به فراهم شدن چنین نیرو و امکاناتی که بتوان به کمک آن چند کشور را فتح کرد، برای یک شخصیت ارزشی و اصلاح‌گر در عصر فتنه و انحراف آخرالزمان بسیار بعید است.

البته از مجموعه روایات مربوط به یمانی و به قرینه اهتمام و تأکید پیشوایان دینی بر طرح این موضوع می‌توان این نکته را دریافت که جنبش یمانی جنبشی ضعیف و محدود نیست، بلکه شعاع بسیاری از مناطق را در بر خواهد گرفت و در ایجاد فضای مناسبی برای ظهور و فعالیت‌های آغازین امام مهدی علیه السلام نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت.

- تعیین وقت برای ظهور؛

- علم امام مهدی علیه السلام به زمان ظهور؛
- استعجال.

ه) راه‌های شناخت امام مهدی علیه السلام از مدعیان؛

و) اقدامات امام مهدی علیه السلام هنگام ظهور؛

ز) بیعت یاران با امام مهدی علیه السلام؛

ح) مقابله امام مهدی علیه السلام با دشمنان (یهود، اعراب و...).

ط) تحلیل چگونگی غلبه امام مهدی علیه السلام بر قدرت‌های جهانی؛

ی) نزول عیسی؛

ک) رجعت؛

- دلایل نقلی رجعت؛

- رجعت کنندگان (رجعت ائمه علیهم السلام)

رجعت انبیاء علیهم السلام بانوان رجعت‌کننده در زمان

ظهور، مردان رجعت‌کننده در زمان ظهور، سایر

رجعت‌کنندگان، زمان رجعت و اتفاقات دوران رجعت).

ل) ویژگی‌های جسمی امام مهدی علیه السلام هنگام ظهور؛

م) جایگاه معجزه و امدادهای الهی در قیام امام مهدی علیه السلام؛

ن) فتوحات امام مهدی علیه السلام؛

س) قیام به شمشیر؛

ع) میراث انبیا.

۸. عصر ظهور:

الف) سیره امام مهدی علیه السلام؛

- سیره فردی؛

- سیره اجتماعی؛

- سیره حکومتی.

ب) اسلام در عصر ظهور؛

ج) مرکز حکومت امام مهدی علیه السلام؛

د) اهداف حکومت امام مهدی علیه السلام؛

ه) مدت حکومت امام مهدی علیه السلام؛

و) نقش علم و تکنولوژی در عصر ظهور؛

ز) تعامل امام مهدی علیه السلام با ادیان؛

ح) دین در عصر ظهور (دین جدید، کتاب

فرجام جنبش یمانی

در این باره که آیا قیام یمانی پیش از ظهور به شکست منتهی می‌گردد، یا تا زمان ظهور ادامه می‌یابد و آیا یمانی محضر مبارک امام مهدی علیه السلام را درک می‌کند یا خیر، به دلیل فقدان روایات معتبر، نمی‌توان قاطعانه قضاوت کرد. در عین حال، در میان احادیث اشاره‌هایی به اتصال نهضت یمانی به زمان ظهور و رسیدن یمانی به فیض درک محضر امام مهدی علیه السلام وجود دارد، از جمله آن که از امام علی علیه السلام روایت شده است:

... وَ تَقْبِلُ رَأْيَاتٍ مِنْ نَرْفَى الْأَرْضِ غَيْرِ مُعَلِّمَةٍ لَيْسَتْ بِقَطْنٍ وَ لَا كِتَانٍ وَ لَا حَرِيرٍ مُخْتَوِّمٍ فِي رَأْسِ الْفَتَاةِ بَخَاتِمِ السَّيْرِ الْأَكْبَرِ بِسُوقِهَا رَجُلٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ تَطْرُقُ بِالْمَشْرِقِ وَ تُوْحِدُ رِيحَهَا بِالْمَغْرِبِ كَالْمَسْكَ الْأَذْفَرِ بِسَيْرِ الرَّعْبِ أَمَامَهَا بِشَرِّهِ حَتَّى يَنْزِلُوا الْكُوفَةَ طَالِبِينَ بِرَمَا. أَبَانُكُمْ فَيَنْمَأُ لَكُمْ عَلَى ذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَتْ هَيْلَ الْيَمَانِيِّ وَ الْخِرَاسَانِيِّ... وَ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ نَجْرَانَ يَسْتَجِيبُ لِلرَّامِ فَيَكُونُ أَوَّلَ النَّصَارَى إِجَابَةً:

پرچم‌هایی بی‌نشان از مشرق زمین نمودار می‌شود که نه از جنس پنبه است و نه از کتان و نه از حریر و بر آن مهر سرور بزرگ حک شده است و مردی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله آن را حمل می‌کند. این پرچم‌ها در مشرق نمایان می‌شوند و عطر هم‌چون مشکشان در مغرب نیز به مشام می‌رسد تا این‌که برای خون‌خواهی پدران خویش در کوفه فرود می‌آیند. در این حال سپاه یمانی و خراسانی هویدا می‌شوند... مردی از اهل نجران از شهر خارج می‌شود و دعوت امام را اجابت می‌کند. او اولین فرد مسیحی است که به دعوت امام پاسخ مثبت می‌دهد.

پرچم اشاره شده در صدر این حدیث، پرچم امام مهدی علیه السلام است؛ به قرینه اوصافی که برای آن بیان می‌شود. افزون بر این، در ذیل روایت به پیوستن مردی از مسیحیان نجران به امام علیه السلام تصریح شده است. بنابراین بدون تردید شخصیت مورد نظر ما در این روایت کسی جز امام مهدی علیه السلام نیست و به تصریح این روایت یمانی در این زمان حضور دارد.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در وصف اهل یمن چنین روایت شده است:

مَنْ مَنِ الْمَنْصُورُ بِخُرُجِ فِي سَبْعِينَ الْفَأَ بِنَصْرٍ خَلْفِي وَ خَلْفِ وَصِيِّ:

منصوری که با هفتاد هزار نفر قیام می‌کند و جانشین من و جانشین وصی می‌دهد از آنهاست.

نصرت یک شخص، گرچه می‌تواند به شکل زمینه‌سازی و یا تلاش در راه تحقق آرمان‌های او و غیره باشد که در این صورت «ناصر» و «منصور» می‌توانند در دو افق زمانی مختلف حضور داشته باشند، اما به نظر می‌رسد ظهور عرفی جمله «ینصر خلفی و خلف وصی» این است که یمانی، امام مهدی علیه السلام را درک می‌کند و در رکاب آن حضرت برای تحقق منویات امام علیه السلام تلاش می‌کند.

حذیفه نیز در روایتی، به رسیدن سپاه هفتاد هزار نفری یاد شده به محضر امام مهدی علیه السلام تصریح کرده است:

... وَ يَبْعَثُ إِمَامَهُمْ إِلَى الْيَمَنِ أَعْيُنُونِي فَيُقْبِلُ سَبْعُونَ الْفَأَ مِنَ الْيَمَنِ عَلَى قِلَابِ عَدْنِ هَمَانٍ سَيُؤْتِيهِمُ الْمَسْرُ وَيَقُولُونَ نَحْنُ عِبَادُ اللَّهِ هَمًّا هَمًّا لَأَنْزِلَ عِظًا. وَ لَأَرْزُقًا حَتَّى يَأْتُوا الْمَرْدِيَّ بِعَسَى انْطَاكِيَّة:

امام مسلمین از اهل یمن درخواست کمک می‌کند. هفتاد هزار نفر از جانب یمن از سوی رودهای عدن در حالی که بند شمشیرشان از لیف است به سمت او حرکت می‌کنند. آنها در حالی که این زمزمه بر لبانشان نقش بسته «ما حقیقتنا بندگان خداییم و از او مزد و رزق طلب نمی‌کنیم» در زرفای انطاکیه به مهدی علیه السلام می‌پیوندند.

علاوه بر این، برای تأیید دیدگاه یاد شده می‌توان به روایاتی که بر هم‌زمانی قیام قحطانی با ظهور امام



جدید و...)

(ط) سرانجام شیطان.

۹. جهان بعد از حکومت امام مهدی علیه السلام.

(الف) شهادت یا رحلت امام مهدی علیه السلام.

(ب) جانشینان امام مهدی علیه السلام.

(ج) تداوم حکومت اسلامی تا قیامت (حل

تعارض آن با آنچه بر فساد جامعه پیش از قیامت

دلالت دارد)؛

(د) آخرالزمان از منظر روایات؛

هـ) پایان جهان بعد از حکومت امام

مهدی علیه السلام.

مهدی علیه السلام دلالت می کردند و نیز روایات فتوحات یمانی تمسک جست. ۱۱۳
البته در برابر روایت قبلی تنها یک روایت وجود دارد که بر اساس آن یمانی پیش از
ظهور امام مهدی علیه السلام از دنیا رحلت می کند. این روایت از کتاب مختصر اثبات الرجعة
است و علاوه بر ضعف سند محتوای آن از جهات متعددی با مجموعه های مختلفی از
احادیث، همخوانی ندارد، لذا به محتوای آن نمی توان اعتماد کرد. روایت یاد شده از امام
صادق علیه السلام است که می فرماید:

ثم يمضي اليماني في سلطنته فارغا من الأعداء. ثلاثين سنة ثم
يقوض الملك بابنه السميد و يأوي مكة و ينتظر ظهور فاطمة
حتى يتوفى... و هما يرجعان الى الدنيا بزعامة فاطمة عليها السلام
پس یمانی فارغ از دشمنان به مدت سی سال حکومت می کند و
پس از آن حکومت را به فرزندش سعید واگذار می نماید و در مکه
سکنا می گیرند و منتظر ظهور قائم ما می ماند تا این که از دنیا رحلت
می کنند... و آن دو (یمانی و فرزندش) به دعای قائم ما به دنیا باز
خواهند گشت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات

پرتال جامع علوم انسانی

معیارهای تشخیص یمانی

آنچه گذشت، تصویری از شخصیت یمانی و حوادث پیرامونی او بود که با رعایت موازین علمی و بر اساس روایات پیشوایان دینی ترسیم شد. آخرین نکته مهمی که تذکر آن ضروری می‌نماید، تبیین معیارهایی است که به کمک آن می‌توان یمانی واقعی را از مدعیان دروغین شناسایی کرد. بی‌گمان، زمانی می‌توان به هدفی که پیشوایان دینی از طرح این موضوع داشته‌اند دست یافت که یمانی‌های دروغین نتوانند خود را به نام یمانی واقعی قالب کنند و این مهم تنها در سایه وجود معیارهای عینی برای تشخیص یمانی واقعی حاصل خواهد شد. پیش از بیان معیارهای یاد شده باید توجه داشت که علائم ظهور، از جمله یمانی، نشانه‌های ظهورند که به کمک آنها می‌توان به نزدیک شدن ظهور پی برد و مدعیان دروغین مهدویت را شناسایی کرد و بی‌تردید چیزی می‌تواند علامت و وسیله شناسایی باشد که خود قابل شناسایی باشد. در صورتی که نشانه‌های ظهور قابل تشخیص نباشند، قرار دادن آنها به عنوان علامت، لغو و بی‌ثمر خواهد بود. بر این اساس، گرچه در تعیین مصداق همواره دغدغه احتمال اشتباه و عواقب زیان‌باری همچون سست شدن باور مردم به تمامی علائم ظهور و بلکه اصل وجود امام مهدی علیه السلام وجود دارد، وجود این آسیب‌ها و مانند آن که با دقت و پرهیز از قضاوت‌های عجولانه و با دقت کامل در تعیین مصداق قابل پیش‌گیری است، هرگز نمی‌تواند دلیل انکار اصل مسئله شود. گرچه ممکن است معیارهایی که به دست ما رسیده است نیز برای این مهم کافی نباشد. به هر تقدیر معیارهایی که در روایات آمده‌اند، بدین قرارند:

۱. قیام یمانی از سرزمین یمن آغاز خواهد شد.

۲. این جنبش با خروج سفیانی در شام هم‌زمان خواهد بود. بر این اساس، قیامی که آغازش از یمن باشد و یا با خروج سفیانی هم‌زمان نباشد، قطعاً قیام یمانی نیست.

علاوه بر این دو ویژگی ملموس که برای همگان به سادگی قابل شناسایی است، ویژگی دیگری نیز برای تشخیص یمانی می‌توان ارائه کرد که به کارگیری آن علاوه بر دقت، به گذر زمان هم نیازمند است: یمانی واقعی، فضیلت‌گرا و ارزش‌محور است. این شاخصه نیز می‌تواند معیار مناسبی برای شناسایی یمانی واقعی باشد. بی‌گمان بر اساس این معیار وجود رگه‌های انحرافی همچون فاصله گرفتن از معیارهای دینی، انحراف از مسیر عدالت، سوء استفاده از امکانات و ... در کسی که خود را یمانی می‌خواند، بهترین گواه بر دروغ‌گو بودن اوست. البته از آن‌جا که عموماً رهبران حرکت‌های اجتماعی در آغاز تصویر مطلوبی از خود به نمایش می‌گذارند، ارزیابی دقیق شخصیت آنها در کوتاه مدت امکان‌پذیر نیست، لیکن با دقت در سخن‌رانی‌ها، واکنش‌ها و موضع‌گیری‌های آنان در دراز مدت می‌توان تا حدودی از چهره واقعی آنان پرده برگرفت.

معیارهای یاد شده علاوه بر این که از جنبه سلبی آن مفید بوده و می‌توان با توجه به آنها مدعیان دروغین را شناسایی کرد؛ اگر برای تعیین دقیق مصداق یمانی واقعی کافی نباشد، دست‌کم به کمک آنها می‌توان به تشخیص یمانی واقعی نزدیک‌تر شد.

ره‌یافت‌ها

۱. تعطیلی احکام و آداب دینی، فاصله گرفتن انسان‌ها از ارزش‌های اخلاقی و انسانی، گسترش تباهی و ... از شاخصه‌های عصر آخرالزمان است. افزون بر این که آدمی مظاهر این واقعیت را همه روزه در محیط پیرامون خود و جهانی که در آن زندگی می‌کند، مشاهده می‌نماید، پیشوایان دینی نیز مکرراً از تحقق این واقعیت خبر داده‌اند و شاید تعبیر پر شدن دنیا از ظلم و ستم که در روایات متواتری آمده، جامع‌ترین بیان در تبیین وضعیت اسفبار دنیای آخرالزمان باشد.

واقعیت یاد شده این تلقی را در عده‌ای به وجود آورده است که زیستن با فساد و کژی و خو گرفتن با تباهی‌های دنیای آخرالزمان یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر است و در این شرایط سالم زیستن و پاک زندگی کردن و در محیط



پیرامون خود تأثیر مثبت گذاردن غیرممکن است. وجود شخصیت‌های صالح و پاک نهادی هم‌چون یمانی که نه تنها در برابر فشار محیط پیرامون خود سر تسلیم خم نکرده، بلکه مسیر سعادت را پیموده و پرچم‌دار جنبش اجتماعی فضیلت محور هستند، بهترین گواه بر بطلان تلقی یاد شده است.

۲. دومین پیام جنبش یمانی، بطلان اندیشه انتظار منفی است؛ اندیشه‌ای که انتظار را به سکوت، سکون، کنار آمدن یا بدی‌ها و بلکه دامن زدن به آنها تفسیر می‌کند و به گمان خود اینها زمینه‌ساز ظهورند.

جنبش یمانی که دعوت‌کننده و زمینه‌ساز ظهور مهدی علیه السلام است، به ما می‌آموزد که زمینه‌سازی به معنای ایجاد فضای سالم برای ظهور است و این جز با همت و تلاش را برای گسترش ارزش‌ها به دست نمی‌آید، و از همین رو، یمانی خود در این مسیر گام می‌نهد و شایسته تکریم و تجلیل امامان معصوم علیهم السلام می‌شود.

۳. سومین درسی که از قیام یمانی می‌توان بر گرفت، این است که در اندیشه پیشوایان معصوم علیهم السلام نه تنها اصلاح فردی در عصر غیبت مطلوب است بلکه جنبش‌های اجتماعی سالم نیز درخور تکریم و حمایت‌اند. بی‌گمان جانبداری امامان معصوم علیهم السلام از حرکت یمانی را نمی‌توان به دلیل وجود خصوصیتی ناشناخته در یمانی و در نتیجه انحصار این حمایت در شخص یمانی دانست، زیرا تعبیراتی چون «لأنه یدعوا الی صاحبکم»، «لأنه یدعوا الی الحقّ و الی طریق مستقیم» و «تهدی الی الحقّ» که در مقام تجلیل از این جنبش در احادیث آمده است، نشان از آن دارد که حمایت پیشوایان معصوم از جنبش یمانی به دلیل دعوت به امام مهدی علیه السلام و بر حق و صراط مستقیم بودن اوست. از این رو، هر قیامی که به انگیزه زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام شکل بگیرد و براساس معیارهای دینی به حق و حقیقت فراخواند، شایسته تکریم و سزاوار حمایت خواهد بود.



۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۴۱، باب ۵۰، ج ۲.
۲. شیخ کلینی، روضة الکافی، ص ۶۳، ج ۲۷.
۳. احمد بن حنبل، المستدرک، ج ۵، ص ۲۲۵.
۴. نعمانی، الغيبة، ص ۵۸، باب ۲، ج ۱.
۵. روضة الکافی، ص ۱۸۳، ج ۲۸۵. (سند این روایت به صورت زیر است: محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن بن محبوب، عن یعقوب السراج، دربارہ وناقت محمد بن یحیی نکه: نجاشی، رجال، ص ۲۵۲؛ دربارہ وناقت احمد بن محمد نکه: همان، ص ۸۲؛ دربارہ وناقت ابن محبوب نکه: شیخ طوسی، رجال، ص ۳۳۴؛ دربارہ وناقت یعقوب السراج نکه: نجاشی، رجال، ص ۲۵۱).
۶. مسعودی، التنبيه والاشراف، ص ۲۷۱.
۷. فخر رازی، المحصول، ج ۴، ص ۲۲۸.
۸. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۵۹.
۹. تاریخ، ج ۴، ص ۱۴۸.
۱۰. همان، ج ۶، ص ۲۵۰.
۱۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳/۳/۲۵.
۱۲. سایت شریف نیوز، ۱۳۸۴/۹/۱۲.
۱۳. همان، ۱۳۸۲/۲/۱۰.
۱۴. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۲۹، باب ۵۷، ج ۱.
۱۵. نعمانی، الغيبة، ص ۳۵۷، باب ۱۴، ج ۱. (این حدیث ضعیف است به دلیل وجود عیبه در بن موسی و...؛ نکه: علی نمازی، مستدرکات علم رجال الحديث، ج ۵، ص ۱۹۶.
۱۶. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۳، باب ۲۵، ج ۹۸.
۱۷. شیخ حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۳۵، باب ۳۴، فصل ۹، ج ۹۹.
۱۸. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۰، باب ۵۷، ج ۱. (سند این حدیث به این صورت است: محمد بن الحسن، عن الحسن بن ابان، عن الحسن بن سعید، عن محمد ابی عمر، عن عمر بن حنظلة؛ دربارہ وناقت محمد بن حسن نکه: رجال نجاشی، ص ۲۸۳؛ دربارہ وناقت حسین بن حسن نکه: ابن داود حلی، رجال، ص ۲۷۰؛ دربارہ وناقت حسین بن سعید نکه: مستدرکات علم رجال الحديث، ج ۳، ص ۱۳۳؛ دربارہ وناقت محمد بن ابی عمر نکه: شیخ طوسی، الفهرست، ص ۴۰۴؛ دربارہ وناقت عمر بن حنظلة نکه: شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۷، ص ۴۴۲؛ امام خمینی، کتاب البیع، ج ۲، ص ۲۷۶).
۱۹. روضة الکافی، ص ۲۲۵، ج ۴۳۸. (سند این روایت به این صورت است: محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن علی بن الحکمه، عن ابی یوب الخزاز، عن عمر بن حنظلة؛ دربارہ وناقت محمد بن یحیی نکه: رجال نجاشی، ص ۲۵۲؛ دربارہ وناقت احمد بن محمد نکه: همان، ص ۸۲؛ دربارہ وناقت علی بن حکم نکه: الفهرست، ص ۲۶۳؛ دربارہ وناقت ابی ایوب خزاز نکه: رجال نجاشی، ص ۲۰؛ دربارہ وناقت عمر بن حنظلة نکه: مسالک الافهام، ج ۷، ص ۴۴۲؛ کتاب البیع، ج ۲، ص ۲۷۶).
۲۰. نعمانی، الغيبة، ص ۳۵۶، باب ۱۴، ج ۱. (این روایت مرسله است).
۲۱. ابن داود حلی، رجال، ص ۲۷۰.
۲۲. ابوالقاسم خویی، معجم رجال التحذیر، ج ۶، ص ۲۳۱، ج ۷، ص ۹۵.
۲۳. محمد جواهری، المفید فی معجم رجال الحديث، ص ب.
۲۴. ابوالقاسم خویی، کتاب الطهارة، ج ۲، ص ۱۰۶.
۲۵. نعمانی، الغيبة، ص ۴۱۷، باب ۱۸، ج ۲.
۲۶. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۱.
۲۷. نعمانی، الغيبة، ص ۳۶۶، باب ۱۴، ج ۱۵، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۲، باب ۵۷، ج ۱۴.
۲۸. خونساری، منیه الطالب (تقریرات درس محقق نائینی)، ج ۲، ص ۳۶۳.
۲۹. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲، ص ۳۳۸.
۳۰. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۲.
۳۱. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۵۹.

۳۲. ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۶، ص ۲۹۷.
۳۳. همان، ج ۱۳، ص ۶۷.
۳۴. التنبيه والاشراف، ص ۲۷۱.
۳۵. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۳۱، باب ۳۲، ج ۱۶.
۳۶. علی کورانی، معجم احادیث الامام المهدي، ج ۳، ص ۲۷۵.
۳۷. همان، ص ۲۷۶.
۳۸. نعمانی، الغيبة، ص ۵۸، باب ۲، ج ۱.
۳۹. نعیم بن حماد، الفتن، ص ۶۶.
۴۰. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۵۹.
۴۱. الفتن، ص ۲۵۳.
۴۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۵۸۷.
۴۳. فخر الدین طریحی، معجم البحرین، ج ۳، ص ۱۴۷.
۴۴. فتح الباری، ج ۶، ص ۲۹۷.
۴۵. الفتن، ص ۲۲۵.
۴۶. مناری، فیض القدر، ج ۲، ص ۱۶۷.
۴۷. معجم احادیث الامام المهدي، ج ۱، ص ۴۸۴.
۴۸. همان، ص ۲۹۹؛ محمد علی حلو، الیمانی رآه هدی، ص ۲۹.
۴۹. فضل بن شاذان، مختصر اثبات الرجعة، (به نقل از: مجله تراننا، سال دوم، شماره ۴، ص ۴۵۵).
۵۰. نعمانی، الغيبة، ص ۳۹۲، باب ۱۴، ج ۱۴، ص ۶۷؛ معجم احادیث الامام المهدي، ج ۳، ص ۲۷۱.
۵۱. نعمانی، الغيبة، ص ۴۲۳، باب ۱۸، ج ۱۲؛ همان، ص ۴۱۶، باب ۱۸، ج ۱؛ همان، باب ۱۸، ج ۳؛ کمال الدین، ص ۶۵۱، باب ۵۷، ج ۱۱.
۵۲. روضة الکافی، ص ۳۸۳، نعمانی، الغيبة، ص ۴۹۱، باب ۱۴، ج ۶۷.
۵۳. نعمانی، الغيبة، ص ۴۲۳، باب ۱۸، ج ۱۵.
۵۴. همان، ص ۳۸۸، باب ۱۴، ج ۶۰.
۵۵. معجم احادیث الامام المهدي، ج ۳، ص ۲۷۵.
۵۶. همان، ص ۲۷۶.
۵۷. نعمانی، الغيبة، ص ۳۹۲، باب ۱۴، ج ۱۴، ص ۶۷. (سند این حدیث به این صورت است: اخبرنا احمد بن محمد بن سعید بن هولاء الرجال الاربعة (محمد بن المفضل و سعدان بن اسحاق بن سعید و احمد بن الحسن بن عبدالملک و محمد بن حمد بن الحسن) عن ابن محبوب و اخبرنا محمد بن یعقوب الکلینی قال: حدثني علي بن ابراهيم بن هاشم عن ابيه قال: و حدثني محمد بن عمران قال: حدثنا احمد بن محمد بن عیسی قال: و حدثني علي بن محمد و غيره عن مهمل بن زیاد جميعا عن الحسن بن محبوب و حدثنا عبدالواحد بن عبدالله الموصلي عن ابي علي احمد بن محمد بن ابي ناشر عن احمد بن هلال عن الحسن بن محبوب عن عمرو بن ابي المقدام عن جابر بن يزيد الجعفی؛ دربارہ وناقت احمد بن محمد نکه: الفهرست، ص ۶۸؛ دربارہ وناقت احمد بن حسین بن عبدالملک نکه: همان، ص ۵۸؛ دربارہ وناقت حسن بن محبوب نکه: رجال طوسی، ص ۳۳۴؛ دربارہ وناقت عمر بن ابی مقدام نکه: معجم رجال الحديث، ج ۱۴، ص ۸۲؛ دربارہ وناقت جابر بن يزيد نکه: همان، ج ۴، ص ۳۴۴).
۵۸. الفتن، ص ۲۳۷.
۵۹. نعمانی، الغيبة، ص ۳۶۱، باب ۱۴، ج ۱۲. (سند این روایت به این صورت است: اخبرنا احمد بن محمد سعید، عن احمد بن يوسف بن يعقوب، عن اسماعيل بن مهرا، عن الحسن بن علي بن ابي حمزة عن ابيه و وهيب بن حفص عن ابي بصير؛ دربارہ وناقت احمد بن محمد بن سعید نکه: الفهرست، ص ۶۸؛ دربارہ وناقت احمد بن يوسف نکه: معجم رجال الحديث، ج ۲، ص ۱۶۳؛ دربارہ وناقت اسماعیل بن مهرا نکه: رجال نجاشی، ص ۲۶؛ دربارہ ضعف حسن بن علی بن ابی حمزه نکه: معجم رجال الحديث، ج ۶، ص ۱۹؛ دربارہ وناقت وهيب بن حفص نکه: رجال نجاشی، ص ۴۳۱؛ دربارہ وناقت ابی بصیر نکه: همان، ص ۴۴۱).



۶۰. مختصر انبات الرجعة، (به نقل از مجله تراتنا، سال دوم، شماره ۴، ص ۴۵۵).
 (سند این روایت به این صورت است:
 حدثنا محمد بن ابی عمیر، قال حدثنا جمیل بن دراج، قال حدثنا زرارہ ابن
 اعین.
 دربارہ وثاقت محمد بن ابی عمیر نک: الفهرست، ص ۴۰۴.
 دربارہ وثاقت جمیل بن دراج نک: رجال نجاشی، ص ۱۲۶.
 دربارہ وثاقت زرارہ، نک: همان، ص ۱۷۵).
۶۱. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۲۴۶. (سند این روایت به این صورت است:
 محمد بن ابی عمیر، عن سیف بن عمیرة، عم بکر بن محمد الأزدي.
 دربارہ وثاقت محمد بن ابی عمیر نک: الفهرست، ص ۴۰۴.
 دربارہ وثاقت سیف بن عمیرہ نک: رجال نجاشی، ص ۱۸۹.
 دربارہ وثاقت بکر بن محمد نک: همان، ص ۱۰۸).
۶۲. دربارہ وثاقت محمد بن حسن نک: شیخ طوسی، رجال، ص ۳۲۹.
 ۶۳. دربارہ وثاقت احمد بن ادريس نک: الفهرست، ص ۶۴.
 ۶۴. دربارہ وثاقت محمد بن علی بن قتیبة نک: محمد تقی شوشتری، قاموس
 الرجال، ج ۷، ص ۵۷۱.
 ۶۵. دربارہ وثاقت فضل بن شاذان نک: رجال نجاشی، ص ۳۰۷.
 ۶۶. الفهرست، ص ۳۶۲.
 ۶۷. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۰، باب ۵، ح ۵. (سند این روایت به این صورت
 است:
 حدثنا محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد، عن الحسين بن الحسن بن ابان،
 عن الحسين بن سعيد، عن صفوان بن يحيى، عن عيسى بن اعين، عم المعلى بن
 خنيس.
 دربارہ وثاقت محمد بن حسن نک: رجال نجاشی، ص ۲۸۳.
 دربارہ وثاقت حسين بن حسن نک: معجم رجال الحديث، ج ۶، ص ۲۳۱.
 دربارہ وثاقت حسين بن سعيد نک: مستدرکات علم رجال الحديث، ج ۳،
 ص ۱۳۳.
 دربارہ وثاقت صفوان بن يحيى نک: رجال نجاشی، ص ۱۹۷.
 دربارہ وثاقت عيسى بن اعين نک: همان، ص ۲۹۶.
 دربارہ وثاقت معلى بن خنيس نک: معجم رجال الحديث، ج ۱۹، ص ۲۶۸).
۶۸. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۴۴۷.
 ۶۹. نعمانی، الغیبة، ص ۳۶۱، باب ۱۴، ح ۱۳.
 ۷۰. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۴.
 ۷۱. نعمانی، الغیبة، ص ۳۹۲، باب ۱۴، ح ۶۷. (دربارہ وثاقت ابن حدیث نک: مقاله
 حاضر، ص ۲۶).
 ۷۲. الفتن، ص ۶۷.
 ۷۳. همان، ص ۲۴۸.
 ۷۴. همان، ص ۲۳۷.
 ۷۵. همان، ص ۲۵۰.
 ۷۶. معجم احادیث الامام المهدي عليه السلام، ج ۱، ص ۲۹۹.
 ۷۷. همان، ج ۳، ص ۴۹۴.
 ۷۸. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱، باب ۳۲، ح ۱۶.
 ۷۹. مختصر انبات الرجعة، (به نقل از مجله تراتنا، سال دوم، شماره ۴، ص ۴۵۵).
 ۸۰. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۸، باب ۳۲، ح ۷.
 ۸۱. سید بن طاووس، فلاح السائل، ص ۱۷۱.
 ۸۲. الفتن، ص ۱۷۴.
 ۸۳. نعمانی، الغیبة، ص ۳۸۸، باب ۱۴، ح ۶۰.
 ۸۴. محمد سند، فقه علامه الطهوری، ص ۲۸۲۹.
 ۸۵. نعمانی، الغیبة، ص ۳۶۱، باب ۱۴، ح ۱۳.
۸۶. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۴۴۶. (دربارہ اعتبار این حدیث نک: مقاله حاضر،
 ص ۱۲۷).
 ۸۷. شیخ طوسی، الامانی، ص ۶۶۱.
 ۸۸. مختصر انبات الرجعة، (به نقل از مجله تراتنا، سال دوم، شماره چهارم،
 ص ۴۵۵).
 ۸۹. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۴.
 ۹۰. نعمانی، الغیبة، ص ۵۸، باب ۲، ح ۱.
 ۹۱. الفتن، ص ۶۷.
 ۹۲. همان، ص ۲۴۵.
 ۹۳. همان، ص ۲۴۸.
 ۹۴. نعمانی، الغیبة، ص ۳۹۲، باب ۱۴، ح ۶۷. (دربارہ اعتبار این حدیث نک: مقاله
 حاضر، ص ۲۶).
 ۹۵. علی کورانی، عصر ظهور، ص ۱۶۱-۱۶۰.
 ۹۶. فقه علامه الطهوری، ص ۲۷.
 ۹۷. الیمانی رایت مهدی، ص ۵۶.
 ۹۸. نعمانی، الغیبة، ص ۳۶۱، باب ۱۴، ح ۱۳.
 ۹۹. همان، ص ۴۱۷، باب ۱۸، ح ۳. (سند این روایت به این صورت است:
 حدثنا احمد بن محمد بن سعید، عن علی بن الحسن التیلمی، عن الحسن بن
 محبوب، عن ابی ایوب الخزاز، عن محمد بن مسلم.
 دربارہ وثاقت احمد بن محمد بن سعید نک: الفهرست، ص ۶۸.
 دربارہ وثاقت علی بن حسن نک: رجال نجاشی، ص ۲۵۷.
 دربارہ وثاقت حسن بن محبوب نک: رجال طوسی، ص ۳۳۴.
 دربارہ وثاقت ابویوب خزاز نک: رجال نجاشی، ص ۱۲۰.
 دربارہ وثاقت محمد بن مسلم نک: همان، ص ۳۲۳).
 ۱۰۰. روضة الکافی، ص ۲۱۱، ح ۳۸۳. (سند این روایت به این صورت است:
 عدة من اصحابنا، عن احمد بن محمد، عن عثمان بن عيسى، عن بكر بن محمد،
 عن سدير.
 دربارہ وثاقت محمد بن بحی الطار نک: رجال نجاشی، ص ۳۵۳.
 دربارہ وثاقت احمد بن محمد نک: همان، ص ۸۲.
 دربارہ وثاقت عثمان بن عيسى نک: معجم رجال الحديث، ج ۱۲، ص ۱۳۲.
 دربارہ وثاقت بکر بن محمد نک: رجال نجاشی، ص ۱۰۸.
 دربارہ سدير نک: معجم رجال الحديث، ج ۹، ص ۱۳۹).
 ۱۰۱. فقه علامه الطهوری، ص ۲۸.
 ۱۰۲. نعمانی، الغیبة، ص ۳۸۸، باب ۱۴، ح ۶۰.
 ۱۰۳. مختصر انبات الرجعة، (به نقل از مجله تراتنا، سال دوم، شماره چهارم،
 ص ۴۵۵).
 ۱۰۴. معجم احادیث الامام المهدي عليه السلام، ج ۳، ص ۲۷۵.
 ۱۰۵. همان، ص ۲۷۶.
 ۱۰۶. الفتن، ص ۲۳۸.
 ۱۰۷. همان، ص ۲۵۰.
 ۱۰۸. همان، ص ۲۳۷.
 ۱۰۹. معجم احادیث الامام المهدي عليه السلام، ج ۱، ص ۲۹۵، همان، ج ۲، ص ۱۵۸.
 همان، ج ۳، ص ۱۲۴.
 ۱۱۰. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۴.
 ۱۱۱. نعمانی، الغیبة، ص ۵۸، باب ۲، ح ۱.
 ۱۱۲. معجم احادیث الامام المهدي عليه السلام، ج ۱، ص ۲۵۷.
 ۱۱۳. نک: مقاله حاضر، ص ۲۶ و ۳۸.
 ۱۱۴. مختصر انبات الرجعة، (به نقل از مجله تراتنا، سال دوم، شماره چهارم،
 ص ۴۵۵).